



تکنولوژی آموزشی را یک طراحی علمی آموزشی و پرورشی می بینیم

مصاحبه کنندگان: غلامحسین حسین زاده - سیاوش باقری
با تشکر از همکاری صمیمانه سهیل رجبی
مشاور جوان، معاونت محترم فن آوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی

گفت و گو: صمیمی با حمیدرضا کفاش
معاونت محترم فن آوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی، سازمان پژوهش و
برنامه ریزی آموزشی

برنامه ریزی آموزشی

تدریس در مراکز تربیت معلم و مراکز آموزشی ضمن خدمت استان
خراسان رضوی
معاون مراکز تربیت معلم مشهد در دهه اول انقلاب اسلامی
۳ سال خدمت در سرپرستی مدارس جمهوری اسلامی ایران در سوریه
و لبنان
معاون آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور سبزوار
مدرس دوره های آموزش ضمن خدمت سازمان حج و زیارت
دبیری بیش از ۵۰ کنگره، همایش، جشنواره، مسابقات (منطقه ای - ملی
و بین المللی)
حدود ۴۰ عنوان کتاب تألیفی و ترجمه ای منتشر شده
۳ پژوهش ملی و ۵ پژوهش منطقه ای
بیش از ۱۰ مقاله منتشر شده در نشریات معتبر

خلاصه ای از سوابق شغلی و خدمات فرهنگی حمیدرضا کفاش

فوق لیسانس مدیریت دولتی با گرایش برنامه ریزی منابع انسانی
۲۹ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش (۱۱ سال تدریس در مدارس
راهنمایی، دبیرستان و مراکز تربیت معلم و ضمن خدمت و ۱۸ سال در حوزه
ستادی)
مشاور و قائم مقام معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش
مدیر کل فرهنگی و هنری
۴ سال سردبیر ماهنامه تربیت و ۵ سال عضو هیأت تحریریه آن
مشاور فرهنگی معاونت های مشارکت های مردمی و آموزش و پرورش
نظری و مهارتی
مدیر کل دفتر برنامه ریزی امور فرهنگی و مشاوره
معاون فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی سازمان پژوهش و

در برداشت مان از طراحی ساختار و سطوح
برنامه ریزی کلان آموزش و پرورش، نگاه یکسان
نداریم. هنوز تکنولوژی را رسانه های دیداری
و شنیداری می دانیم و فن آوری را عرصه IT،
در صورتی که هر دو این ها اجزایی از مفهوم
تکنولوژی کلان در سطح آموزشی هستند.

هنوز تکنولوژی آموزشی را در برنامه غیررسمی به عنوان کمک آموزشی و فوق برنامه می بینند!

چالش دومی که به نظر می رسد که یکی از
مسایل عمده ما هست، اینکه ما هنوز آموزش
رسمی و غیر رسمی را برنامه و فوق برنامه
می نامیم و فوق برنامه را جدا از برنامه رسمی
می دانیم! من تعبیرم این است که در نظام
آموزشی مان، تکنولوژی آموزشی جزو فوق
برنامه است. یعنی جایگاهی در برنامه درسی
ندارد. البته ما الان نرم افزار تولید می کنیم اما
اگر کسی استفاده هم نکند، ظاهراً هیچ اتفاقی
نمی افتد! اما اگر کتاب درسی ما اول مهر ماه به
مدرسه و دست دانش آموزان نرسد، اصلاً مسئله
سیاسی می شود. کشور به تکاپو می افتد که چرا
این کتاب یک جلد اش نرسید. اما اگر نرم افزار
و مجله کمک آموزشی نرسید یا محتوای شبکه
رشد نقص داشته باشد، فیلم آموزشی که هیچ،
جایگاهی ندارد، برسد یا نرسد کسی برایش مهم

محول می شود.

در زمان مدیریت مرحوم شادروان مهندس
علاقمندان، که انصافاً دیدگاه واقعاً وسیع، گسترده
و باز داشتند و در حقیقت مرد تفکرات نو در
آموزش و پرورش بودند. در ورود IT یا تکنولوژی
اطلاعات به آموزش و پرورش پیشقدم شدند.
یعنی سازمان درهایش را زودتر به روی تکنولوژی
اطلاعات باز و یک سری رویکردهای جدیدی به
دفتر تکنولوژی راه پیدا کرد.

مثلاً شبکه رشد، با توجه به اینکه در آن زمان
بحث مرکز اطلاعات (DATA CENTER) و
کار شبکه ای در مجموعه آموزش و پرورش و در
کشور مرسوم نبود؛ همچنین بحث نرم افزار و
تولید محتوای الکترونیک و جهت دادن به این
سمت که بسته آموزشی باید جای کتاب درسی
را بگیرد.

اینها یک رویکرد نویی بود که به سمت دفتر
تکنولوژی آموزشی آمد کم کم که فعالیت های
دفتر از حد تولید رسانه های دیداری و شنیداری
به حوزه تکنولوژی اطلاعات و نرم افزاری توسعه
و ارتقا پیدا کرد، مسئولان احساس کردند که
ساختار، قدیمی و برای این کار کهنه است و
باید تقویت بشود. در واقع با نگاه تقویت ساختار،
معاونت فناوری در سازمان پژوهش و برنامه
ریزی آموزشی تأسیس شد. نتیجه این که ما

آقای کفاش! از این که پذیرفتید
مصاحبه ای پیرامون توسعه تکنولوژی
آموزشی و آشنایی با فعالیت ها و تحولات
حال و آینده وزارت آموزش و پرورش در
خدمت جنابعالی داشته باشیم و به خاطر
وسعت نظری که نشان دادید سپاسگزاریم.
سؤالاتی که ارایه کردید و مباحثی که شروع
کردید، به نظر خوب است. این سؤالات نشان
می دهد که به نظر بنده یک سیر منطقی و
کارشناسی مدنظر شما است.

همان طوری که اشاره فرمودید دفتر
«تکنولوژی آموزشی» در سازمان پژوهش قدمت
و سابقه طولانی دارد و اتفاقاً یکی از نکاتی که از
همین ابتدا می توانیم واردش بشویم، همین
عنوان است. این دفتر را در گذشته به عنوان
بخشی که به جریان آموزش، با رویکرد تهیه
وسایل کمک آموزشی کمک می کند، تأسیس
کردند که این تولیدات عمدتاً از نوع رسانه های
دیداری و شنیداری است. سابق بر این، دفتر کمک
آموزشی که نشریات رشد و وسایل کمک آموزشی
را تولید می کردند مجموعاً در یک بخش متمرکز
بودند که بعد به دو قسمت تقسیم می شوند.
رسانه های دیداری و شنیداری به سمت دفتر
تکنولوژی و کتاب، و رسانه های مکتوب کمک
آموزشی به سمت دفتر انتشارات کمک آموزشی

بخش اش کاربرد IT در آموزش هست، آشنایی داشته باشد بتواند مشاوره برای معلم و نیروی برای کمک به دانش آموزان مستعد در مدرسه باشد.

ولی الان این نیرو را در سطح مدرسه در اختیار نداریم. چون نداریم، ایده هایی که پسرگان ما، مثل مرحوم علاقمندان که انصافاً در آن زمان که برنامه تجهیز مدارس کشور به کامپیوتر را اجرا کردند. اجرای این برنامه در آن زمان، واقعا جرات می خواست! بعضی ها می گفتند این کار الان زود است، مدارس ما تبدیل به گورستان وسایل می شود. ایشان در آن زمان عقیده داشتند، اصلاً بچه ها را آزاد بگذارید با آنها بازی کنند یا زمین بزنند و بشکنند! بالاخره این فرهنگ باید ایجاد بشود، توسعه کاربرد کامپیوتر در آموزش و پرورش یک ضرورت جهانی است. اما الان دیگر نمی توانیم این را بگوییم، IT به مدرسه ما آمده است. با گذشت ده سال بعد از اجرای برنامه تجهیز مدارس به کامپیوتر، ضرورت وجود کسی که بتواند اینها را به کار بگیرد، احساس می شود و بسیار مهم است. الان کارگاه های IT دبیرستان های ما بی متولی است. اگر مدیر یک مدیر کار آمد باشد یا مدرسه غیر انتفاعی باشد که متابعی جور کرده باشند، از طرف خودشان و نه از جانب نظام تشکیلاتی، از وجود یک نیروی متخصص و چند منظوره استفاده می کنند. که این نیرو چند منظوره در جهت کاربرد تکنولوژی آموزشی در آموزش می تواند در سطحی بسیار مؤثر برای کمک به معلمان و دانش آموزان فعالیت کند. لذا اعتقاد این است که هر مدرسه ای لاقال به یک نیروی متخصص و مطلع در زمینه کاربرد تکنولوژی آموزشی در آموزش می مفهوم واقعی اش نیاز دارد و تا این هم نباشد، به نظر می رسد کارهای ما آب درهاون کوبیدن است! یعنی ما هر چه نرم افزار یا فیلم تولید کنیم، هر چه کارگاه IT تجهیز بکنیم، تا نیروی کار آمد و متخصص در مدرسه نباشد که اینها را در جریان مدیریت مدرسه به کار بگیرد، اثری ندارد. یعنی این مواد و وسایل برای نمایش به مدرسه وارد می شوند و وارد چرخه یادگیری نخواهند شد.

مثلاً در بعضی از مدارس می بینیم در کتابخانه مدرسه یکسری دیکشنری، تفسیر و... جمع می کنند. بعضی از اینها را وقتی شما ورق بزنید، ورق ها چسبیده به هم است. یعنی نشان می دهد که حتی یک بار هم این کتاب تا آخر ورق نخورده است. هدف این نبوده که این دست نخورده باقی بماند، بلکه هدف این بوده کتاب ها بیاید حتی از فرط استفاده پاره بشود.

مهمترین مأموریت سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و واحدهای تابعه اش

به نظرم می رسد که در مورد تربیت نیروی انسانی شاغل در حوزه معاونت فن آوری یا در سازمان پژوهش که اشاره فرمودید، در مأموریت ما تعریف نشده و این عجیب است! یعنی ما در حوزه معاونت فن آوری سازمان پژوهش، مأموریت مان فقط تولید محتوای الکترونیک است. به طور کلی مهمترین مأموریت سازمان پژوهش و برنامه ریزی

توان نیروی انسانی برای توسعه تکنولوژی آموزشی داریم؟

اعتقاد این است که ما در ستاد، استان و منطقه کم نمی آوریم. یعنی با بررسی ای که راجع به وضعیت نیروی انسانی آموزش و پرورش دارم، ما فارغ التحصیل در رشته های کارشناسی و کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی به اندازه کافی داریم که بتوانند در سطوح ستادی و اجرایی تا سطح مناطق کار را پیش ببرند، مشکل نداریم. البته اینکه این نیروها در دانشگاه آیا با تکنولوژی روز تربیت می شوند؟ من ابتدا عرض کردم، مشکل داریم. یعنی الان هیچ ارتباط ارگانیک بین بخش تربیت کننده رشته های تکنولوژی و آموزش و پرورش وجود ندارد. یعنی این طور نیست ما سفارش مان به صورت تعاملی باشد. آنها هر چه خواستند تربیت می کنند و آموزش و پرورش هم به دانشگاه باز خورد نمی دهد که این فارغ التحصیلان شما چه ضعف هایی دارند، که دانشگاه برطرف کند. البته شاید اینها در کارهایی غیرمربوط با تکنولوژی هم به کار گرفته می شوند. در تربیت معلم هم که از اول چیزی به نام رشته تکنولوژی آموزشی در سطح فوق دیپلم و لیسانس نداشتیم. در علوم تربیتی یک گرایش اش تکنولوژی آموزشی است که بخشی را با سایر رشته های علوم تربیتی مشترک می خوانند. بعضی از واحدها می آید جدا می شود در حد شناخت وسایل اولیه ای که دیگر بعضی هایش مانند اورهد (overhead) اصلاً از رده خارج شده و کارایی لازم را ندارند!

مشکلی که به نظرم می رسد خواهیم داشت، در خود مدرسه است. نگاه کنید، سند فناوری اطلاعات در شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شد. انصافاً یک سند بسیار مترقی هم هست و همه چیز را پیش بینی کرده است. دغدغه اش هم در یکی از بخش هایش بحث نیروی انسانی در مدرسه است. به نظر من هم این نکته اساسی است که ما در مدرسه تکنولوژیست آموزشی یا متخصص IT نداریم. ما در این رابطه برای مدرسه، نیرو لازم داریم.

تکنولوژیست آموزشی؛ تخصصی ترین نیروی مدرسه

به طور کلی در زمینه تأمین نیروی انسانی برای پیشبرد تکنولوژی آموزشی در مدرسه چند دیدگاه وجود دارد. گاهی اوقات می گویند دفتر دارها را آموزش اتوماسیون اداری بدهید، تا در مدرسه مسئول یا تکنولوژیست بشوند. این یک نگاه است. گاهی اوقات می گویند نیروی های مازادی که در جاهای مختلف داریم را به عنوان تکنولوژیست در مدرسه مسئولیت بدهیم. در حالی که انصافاً با این رویکرد های جدید، تخصصی ترین نیروی مدرسه باید تکنولوژیست آموزشی باشد! حالا یا باید مهندس IT یا تکنولوژیست آموزشی باشد. اعتقاد خودم این است که برای حل این معضل، ما باید در مدرسه تکنولوژیست آموزشی یا ITman داشته باشیم و مهارت های او را تعریف کنیم. کسی که با روش های آموزشی آشنا باشد و برنامه درسی را بداند و با فنون روز تکنولوژی هم که یک

نیست! این نشان می دهد که تکنولوژی آموزشی توی برنامه نیست!

جایگاه تکنولوژی آموزشی در برنامه رسمی آموزش و پرورش

اعتبار بدهند ما تولید می کنیم، اگر بودجه ما کم باشد، کم تولید می کنیم، زیاد باشد زیاد تولید می کنیم. این نشد! به عبارتی نکته دوم به نظر من بحث «جایگاه تکنولوژی» است که ما در نظام آموزشی رسمی جایگاهی نداریم. اخیراً حرکتی در این زمینه شروع شده که جای خوشبختی است. بحث تدوین برنامه درسی ملی و فعالیت کمیته مواد و رسانه های آموزشی به عنوان زیر مجموعه آن، نشان از یک نگاه کلان است. یعنی الان به فکر افتادیم که همه اینها را با هم ببینیم. جایش را معلوم می کنیم که جای شما در این مجموعه اینجاست. به اندازه همین نقطه در برنامه و نه پشت برنامه! به نظر من در همین ابتدا دو نکته هست یکی «بحث تکنولوژی آموزشی و مفهوم آن» و یکی هم بحث «جایگاه تکنولوژی آموزشی در برنامه درسی ملی».

سنجش و اثر بخشی محصولات تکنولوژی آموزشی در آموزش و پرورش

هر چه از الان تا آخر بگوییم، فعالیت های و کارهایی است که ما انجام می دهیم. در این باره چندین ساعت می توانم برای شما از کارایی خودمان بگویم. اما وقتی برسیم به اثر بخشی در نظام آموزشی، که حالا این محصولات جایشان کجاست؟ چقدر مورد استفاده قرار می گیرند؟ چقدر تغییر ایجاد می کنند؟ چقدر نقش دارند؟ آنجا می لنگیم!

ورود محصولات تکنولوژی به مدارس

به طرق مختلف این اقلام به مدارس وارد شده، ولی داخل کمد است یا توی دفتر مدیر مدرسه است. من نمی توانم انکار کنم. چون در اینجا ما فقط تولید می کنیم، اینکه این تولید در کجا مورد استفاده قرار می گیرد و چه تأثیری در پیشرفت تحصیلی دارد؟ در نظام آموزشی جزو وظایف ما تعریف نشده است و هنوز جایگاه استفاده از این محصولات را در برنامه درسی مشخص نکرده اند! البته ما دل بستیم به تدوین برنامه درسی ملی، به نحوی که بتواند جایگاه های تعاملی را در بخش های مختلف مشخص بکند.

برنامه های آینده تکنولوژی آموزشی و تربیت نیروی انسانی

آقای کفاش! می خواستم خواهش کنم بفرمایید نیروی انسانی فعال در حوزه تکنولوژی آموزشی در چه وضعی است و احیاناً چه کاستی هایی دارند؟ اساساً شما چه برنامه هایی برای تربیت نیروی انسانی در آینده دارید؟ چون به هر حال شما دارید براساس وضع و توان موجود نیروی انسانی خودتان کار می کنید، در حالی که چشم انداز برنامه های آموزش و پرورش مان به ما می گوید که برای اجرای این برنامه ها، نیروی انسانی هم باید تربیت کرد. می خواستم ببینم اگر بخواهید یک ارزیابی واقع بینانه ای بکنید، چقدر در داخل آموزش و پرورش

آموزشی، تولید محتوای آموزشی براساس نتایج پژوهش‌ها و برنامه ریزی درسی است. زمانی تولید محتوا فقط سنتی و مکتوب بود، حالا تولید محتوای آموزشی الکترونیکی و چند رسانه‌ای هم بهش اضافه شده است. ما اینها را بر اساس برنامه درسی تولید می‌کنیم، بعد طراحی نرم‌افزار، طراحی web base برای شبکه و تسهیل انتقال، تبادل اطلاعات آموزشی و پیش‌بینی امکان‌ها را در نظر می‌گیریم و دیگر هیچ...

مسئولیت تربیت معلم و به‌کارگیری تولیدات شما در فرآیندهای آموزشی و پرورشی بر عهده کجا است؟

گیر اینجاست، تولید می‌کنیم و دیگر هیچ! حالا اگر معاونت آموزشی که مسئول فرآیند آموزشی است یا معاونت پرورشی که مسئول فرآیند پرورشی، آمدند و این مواد تولیدی ما را بردند در فرآیند آموزش به کار بردند چه بهتر. اگر به کار نبردند، ما مسئول نیستیم! لذا یکی از نکات ما همین است که در نظام آموزش و پرورش ما حلقه‌های ارتباط منفصل است. یعنی دفتر تألیف محتوا تهیه می‌کند، تربیت معلم برای مدرسه نیرو تربیت می‌کند، ما برای خودمان محتوا تولید می‌کنیم، معلم هم کار خودش را می‌کند. مدرسه هم هر کاری دلش خواست انجام می‌دهد. الان گیر اینجا است. اتفاقاً اشاره روی اصلی‌ترین مسئله داشتید تا ما تکنولوژیست آموزشی در حد مدرسه با تعریف مشخص نداشته باشیم، عملاً تکنولوژی آموزشی وارد چرخه یادگیری نخواهد شد.

به نظر حضرت عالی تکنولوژی آموزشی در چه سطوحی باید طراحی و برای کاربر، باز طراحی شود؟

منظور کمبود نیروی تکنسینی نیست که تکنولوژی را در مدرسه به کار گیرد. تکنولوژی باید طراحی شود. حالا اگر اقتباسی باشد که باید اقتباس شود. اگر تولید فکر باشد، افرادی با سطح بالاتر از تکنسین و تکنولوژیست و در تخصص‌های مختلف باید در یک جایی بیایند و روی طراحی آموزشی کار کنند. کسانی که فیلم، عکس یا نرم‌افزار تولید می‌کنند، حتی بخش‌های مختلف تکنولوژی آموزشی را پشتیبانی می‌کنند. این‌ها به متخصصانی سطح بالاتر نیازمندند که این سیستم را طراحی کنند و اگر چنین نیروهایی در ستاد آموزش و پرورش نباشند، همه اجزای مورد نیاز مدارس تولید می‌شوند، ولی به هم وصل نمی‌گردند.

تفکر «پست‌سازی» در مدارس تجربه‌ای تکراری

آن زمانی که ما در مدرسه تدریس می‌کردیم، وقتی که سر کلاس می‌رفتیم، مدیر، معاون و دفتر دار مدرسه در دفتر مدرسه بودند. غالباً در زنگ‌های خالی می‌دیدیم حتی مدیر و معاون هم سر کلاس هستند. حالا یا کلاس ورزش یا کلاس‌های تخصصی دیگر، بعدها آمدند کتابدار، مسئول آزمایشگاه، مدیر دروس، معاون پرورشی، مربی پرورشی، مشاور... خیلی از این شغل‌ها را در مدارس تعریف کردند. به

طوری که الان در مدارس، زمانی که معلمان با بچه‌ها سر کلاس هستند، در دفتر چند نفر به عنوان نیروی پشتیبان حضور دارند. این نیروها در زمانی که آموزش در کلاس‌ها جریان دارد، هیچ فعالیتی و برنامه‌ای ندارند. دانش‌آموزان در ساعت درسی در اختیار معلم و کلاس می‌باشند. مثلاً کتابدار در کتابخانه نشسته، تخصص هم دارد، کتاب هم دارد، ولی هیچکس نیازی به کتاب غیردرسی یا کمک آموزشی ندارد، چون تعریف شده که باید عین محتوای کتاب درسی تدریس شود و برای همین کار هم زمان کافی نیست. از عین محتوای کتاب درسی هم باید امتحان بگیرند. سؤالات هم استاندارد شده است. کسی نیازی به آزمایشگاه و تکنولوژی آموزشی هم ندارد. بنابراین این نوع تفکر که برای مدارس هیست درست کنیم، برای اینکه این اتفاق‌ها در مدارس بیفتد، بارها تجربه شده است.

حالا برگردیم به تفکری که به مدیر یا هیئت امنای مدرسه اختیار بدیم از همین نیروهایی که در مدرسه هستند و سر کلاس هم نمی‌روند، برای پشتیبانی امور آموزشی و پرورشی و تنظیم فوق برنامه مدرسه استفاده کنند. مثلاً در کاربرد تکنولوژی آموزشی هم به معلمان کمک کنند. قطعاً مدارس نیازمند نیروی بیشتری نیستند، چون خیلی از امور مدارس فصلی است، یعنی در فصول خاصی از سال کارشان کم و زیاد می‌شود. چون ساختار تخصصی طراحی شده، و هرکسی برای یک کار معین استخدام شده و شرح وظیفه او هم قبلاً نوشته شده است، مثلاً مدیر در سازمان وظیفه مدار نمی‌تواند به کتابدار بگوید که روی تکنولوژی هم باید کار کنید و کتابدار هم حتی اگر توانمند هم باشد، نمی‌پذیرد که در کاری به غیر حوزه اصلی مسئولیت‌اش فعالیت کند. برای چنین تفکری اینها نیازی به بودجه، مواد آموزشی، ابزار، دانش فنی و نیاز به اختیار تصمیم‌گیری دارند که در اختیارشان نیست.

به نظر می‌رسد که تکنولوژی آموزشی نیازمند نیروی های متفکر و متخصص سطح بالایی برای طراحی آموزشی است. نیروهای مجری باید از میان همین نیروهایی که هستند تربیت و به کار گرفته شوند. در حال حاضر برای اینکه این تولیدات را بخوراند به برنامه درسی متخصص ندارد. یعنی برنامه درسی، طراحی آموزشی و اجزای تکنولوژی از هم جدا دیده شده‌اند، بنابراین عجیب نیست که در برنامه رسمی آموزش و پرورش، بحث تکنولوژی آموزشی، مواد آموزشی یا کمک آموزشی جدی گرفته نمی‌شود!

نگاه مدرسه به کمبودها و چالش‌ها و تحلیل آن

به نظر من فصل جدید و قشنگی را باز کردید. یعنی نگاه مدرسه‌ای دارید، از آن طرف به مسایلی نگاه کردید. به نظر من ابتدا باید مشخص کنیم.

نگاه به مدرسه نگاه دولتی است یا غیردولتی؟ نگاه دولتی همیشه دنبال راهی می‌گردد افراد، اشخاص و پست سازمانی را بیشتر کند تا حوزه عمل بیشتر و بازتری پیدا کند و از نظر بودجه و نیروی انسانی وسیع‌تر بشود. تفاوتی که الان مدارس دولتی و غیردولتی دارند در همین نکته است. یعنی در غیردولتی‌ها، شما کمتر نیروی ثابت یا یک نیروی تک منظوره می‌بینید. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین مسئله را مطرح کردید. از این منظر محور در مدرسه مدیر است. یعنی ما اگر روی توانمندی‌های مدیر به عنوان رهبر آموزشی و به عنوان کسی که مجموعه آموزش و پشتیبانی آموزش را در مدرسه سامان دهی می‌کند، نگاه کنیم و توانمندی‌ها و شرایط احراز مدیر را بالاتر ببریم و روی آموزش‌ها و تحصیلات تکمیلی او کار کنیم، ممکن است این فکر شما اجرایی شود. بعد همه امور مدرسه را باید به صورت یکپارچه تعریف کنیم. در آن صورت باید ببینیم مدرسه در رابطه با مصادیق، نیروها، ساختار و ترکیب‌اش به چه چیزهایی نیاز دارد، آنوقت می‌توانیم دست مدیر را باز بگذاریم. من استنباطی که از حرف شما کردم و به نظر استنباط بدی هم نباشد، این است که، مثلاً الان اگر یک کتابفروشی موجود در خیابان انقلاب را وقتی می‌گوییم وابسته به آموزش و پرورش است ده تا کارمند برایش پیش‌بینی می‌شود. منشی جدا، راهنما جدا، حسابدار جدا برای هر کدام از اینها یک پست اختصاصی می‌دهند. ولو اینکه هر کدام از آنها فقط در روز یک ساعت کار داشته باشند. اما اگر مدیریت آنجا را کلاً واگذار کنیم به خود شما و بگوییم این را بگردانید و منافع‌اش هم مال شماست، آنوقت ممکن است فقط دو تا نیرو هم کفایت کند. یعنی دو تا نیروی چند منظوره می‌گذارید و حقوق و مزایای بیشتری هم می‌دهید. یک مقداری شرایط احراز پست را بالاتر می‌برید که در مجموع به نفع شماست.

به نظر می‌رسد نکته‌ای که عنوان کردم، تکنولوژیست آموزشی یعنی کسی که: در مدرسه اهداف آموزشی را بفهمد، مأموریت‌های مدرسه را در نظام آموزش و پرورش تشخیص بدهد. به راه‌های تلفیق روش‌ها هم آشنا باشد و بتواند مهارت‌هایش را در خدمت آموزش و دانش‌آموز به کار گیرد، ما به چنین نیرویی در مدارس نیاز داریم. حالا ممکن است این آدم را بگذاریم مدیر، یعنی فردی که فارغ‌التحصیل این رشته و اهل فن این کار باشد. آنوقت مهارت‌هایی که تعریف می‌کنیم، یک جایی می‌شود خود مدیر که بتواند این کار را در مدرسه سامان دهی بکند. ولی باید این نگاه را نسبت به کار برد وسایل و امکانات آموزشی داشته باشد.

حال اگر از جنبه‌های بلوغ‌خواهی از نگاه مدرسه به این کمبودها و چالش‌ها نگاه کنید، مسایلی را چگونه تحلیل می‌فرمایید؟

الان بسیاری از مدیران، وسایل کمک آموزشی را فانتزی (تزیینی) می‌دانند. یعنی تنها وسیله آموزشی را کتاب درسی می‌دانند، حق هم دارند. چون مدارس در نهایت دانش‌آموزان را برای امتحانات پایانی و کنکور تربیت می‌کنند، در حال حاضر آموزش و پرورش برای سیستمی

مدیریتی ما در مدرسه می شود این که اجزا را می دهیم به یاران مدیر، کسانی که به هر علت به مدیر نزدیک و همیار او هستند. کسان دیگر هر کدام یک سری وظایف مصوب و قانونی از پیش مدون شده دارند و قانونا اول باید وظیفه مستقل خودشان را انجام بدهند! یعنی ما وظیفه مدیر را جدای از وظیفه معاون، مربیان و وظیفه معلمان را هر کدام مستقل به مدرسه می دهیم. بعد مدیریت مدرسه را تعریف کردیم که این اجزا را باید با هم ترکیب کند!

چون این ها در خود مدرسه برای هر سال تحصیلی مجدداً توسعه داده نمی شود، که مثلاً در این مدرسه چگونه درس شود، یا چه جوری برنامه های پرورشی را اجرا کنیم یا چگونه بچه ها را به اردو ببریم و... بنابراین، رفتارهای کلیشه ای برای اجرای هر وظیفه در مدارس شکل می گیرد. بکراست از طریق بخشنامه می رویم به حوزه اجرا، چون معیارهای خودمان را برای موفقیت و برای اینکه به کجا می خواهیم برویم، تعریف نکرده اند، ارزیابی و اصلاحی

می کنند. با این نگاه که اولاً اگر بخواهیم یک مربی پیدا کنیم که نقاشی، خط، موسیقی، سرود و همه مهارت های تربیتی را یک جا داشته باند، پیدا نمی شود. این که مشکل است، یک آدم بیاوریم یک یا چند تا از این تخصص را بلد باشد، این ها هم می آیند هر چه خودشان بلدند روی همان تمرکز می کنند و بچه ها را از سایر جنبه های تربیتی محروم می کنند. آمدند به صورت ساعتی از تخصص مربیان با صلاحیت استفاده می کنند. مثلاً یک نیروی متخصص پیدا می کنند به عنوان مربی سرود یا موسیقی، دعوت به همکاری می کنند، تا دو ساعت بیاید، برای مدرسه کافی است. انصافاً پول خوبی هم می دهند.

البته نگاه دولتی، پست تراشی یا تبدیل پست ها به همدیگر، جمع و جور کردن و ادغام واحدها و نیروها در همدیگر یا جدا کردن وظایف نیروها از همدیگر و به طور کلی باز کردن و جمع کردن تشکیلات است. به همین دلیل است که بخش دولتی در تجارت جواب نمی دهد. به همین دلیل من فکر می کنم شما یک میحث جدیدی در سازماندهی مدارس باز کردید و آن نگاه به مدیر است که مدیر مثلاً، کتابدار را فعال نگاه دارد.

دارد خروجی می دهد که از این امر می خواهند. این درست مثل نظام فوق برنامه توی خانواده ها است. یعنی من و شما نگاه مان به اردو با یک آدم سنتی فرق می کند. او می گوید بچه من را به اردو نبرید، برای اینکه از درس می افتد. بنده و شما می گوئیم چون مهارت های اجتماعی را در اردو یاد می گیرد، اگر نبرید خطا کردید. یعنی برنامه اردو هم جزو برنامه تربیتی مدرسه است. این نگاه ها خیلی مؤثر است. مدیر اگر دارای این نگاه باشد مجموعه برنامه و فوق برنامه، تکنولوژی، کارگاه، آزمایشگاه، مراسم صبحگاه، نماز جماعت و ... را در جریان تربیت و رشد دانش آموز مؤثر می داند.

به نظر شما به غیر از کمبود تکنولوژیست آموزشی، گره کار مدارس در کجا است؟

خودم همیشه می گویم که ما هنر ترکیب «چه مقدار از این ها» را نداریم. در حال حاضر شاید همه چیز برای تعلیم و تربیت در مدارس فراهم است، مشکل این است که چقدر از این ها را چه مقدار با هم ترکیب کنیم، این را بلد نیستیم! به نظرم می رسد، «مدیر مدرسه کار آمد»، یعنی کسی که قادر باشد جریان آموزش را سامان دهی کند و این یعنی رسیدن به ترکیب مناسب بین اجزای موجود در مدرسه. یعنی اگر برای مدیر، سرانه ای تعیین کنیم و اختیارات لازم را برای سازماندهی به خودش واگذار کنیم و مدیران مدارس را هم طوری تعیین کنیم که صلاحیت داشته باشند، هر بسته آموزشی ای که برای تحول در اختیارش قرار می دهیم، می تواند در بهبود و پیشبرد برنامه های تعلیم و تربیت از آن ها استفاده کند. مهم این است که این نرم افزار در اختیارش باشد. وظیفه ما این باشد که این بسته ها را تولید کنیم و بهش بدهیم. اما اینکه کدام یک از اینها را چه موقع، چقدر و چگونه استفاده کند، به عهده مدیر یا معلم به عنوان مدیر منابع آموزشی باشد. فرضاً ما مجموعه فیلم هایی را که برای تعلیم و تربیت لازم است تولید کنیم و به مدیر مدرسه بدهیم. این که در دهه فجر کدام را باید برای بچه ها پخش بکنند یا توی صبحگاه کدام را و چند ساعت؟ خودشان باید تصمیم بگیرند.

در آن صورت، به نظر شما آیا خطر افراط و تفریط در تفویض و تمرکز اختیار به مدیر پیش نمی آید؟

البته در این زمینه ها افراط و تفریط هم داریم. یعنی مدرسه ای در طول سال فیلم نشان نمی دهند، بعد در دهه فجر هر روز ۸ ساعت فیلم نشان می دهند. این گونه نمی شود. یا در جلسه آموزش خانواده فیلم دارند ولی استفاده نمی کنند. بعد در هفته پیوند صبح، ظهر، عصر فیلم می گذارند. در طول سال تحصیلی کلاس فوق برنامه نمی گذارند، نزدیک امتحانات خرداد ماه شبانه روزی می گذارند. گیرمان توی اینجاهاست...

آیا به نظر شما این که ما اختیار کار توسعه تکنولوژی آموزشی را به مدیر مدرسه واگذار کنیم کار شدنی است؟

قطعاً شدنی است. الان مدارس غیر انتفاعی ما براساس آن طرح گرایشی است که زمانی در امور تربیتی مطرح شده بود ولی رها شد! مربیان پرورشی مورد نیاز خود را به شکل تخصصی جذب



هم نخواهند داشت!

در نتیجه ما در سطح مدرسه و کلاس از اجزای طراحی شده می رسیم به اجرای از هم گسیخته و به مرور رها شده، مثلاً اگر بخشنامه ای چند سال تجدید نشود، به معنی این است که این کار یا فعالیت باید کنار گذاشته شود و مصوب نیست. تا زمانی که مدرسه به عنوان یک نهاد اجتماعی، مستقل دیده نشود، به بلوغ نمی رسد. وقتی که به بلوغ نرسید، آنوقت آدم هایی که هر کدام یک وظیفه معینی دارند همان وظایفی را که برای شان معین شده اجرا می کنند، گناهی هم ندارند. در نتیجه تمام کارهایی را که برای تحول، اصلاح و تغییر در مدرسه و کلاس درس طراحی می کنید و به مدرسه می فرستید، اینها پس زده می شود، چون مانع تحقق وظایف قانونی آنهاست یا در نظام ارزش گذاری اداری واجد ارزش نیست! یعنی وظیفه ای برای مدیر و معلم تعریف می کنیم و بر اساس آن دارد کار می کند و حقوق اش را هم می گیرد.

اگر به استاد آموزش و پرورش ساختاری نگاه نکنیم، بلکه محصولی نگاه کنیم، می بینیم که تمام اجزایی که تعلیم و تربیت ما در مدرسه نیاز دارد، اینجا تولید می شود. یعنی برنامه، کتاب، فیلم، دانش فنی، پژوهش همه هست، ولی این ها جزو، جزو به مدرسه می رسند. وقتی که هر کدام از یک شاخه، و به صورت نامنظم وارد مدرسه می شود، باید با هم هماهنگ یا به قول شما در مدرسه با هم ترکیب بشود. یعنی باید دوباره طراحی بشود. مدرسه باید این اجزایی که دریافت کرده را به اقتضای شرایط خودش دوباره برنامه ریزی کند، یعنی طراحی مجدد نماید که تعیین کند می خواهد چکار کند. بعد اینها را باید به هم ربط و در واقع توسعه بدهد ولی در شرح وظیفه مدیر و هیچ کدام از کارمندانی که در مدرسه هستند، توسعه دادن برنامه پیش بینی نشده است. ممکن است توان انجام دادن این کار را داشته باشند اما، اختیار انجام دادن این کار به مدارس داده نشده است! در نتیجه شگرد



کار ثابت در مقابل وظیفه ثابت و دیگر هیچ . حال هر وظیفه جدیدی به مدرسه بدهید، و آن کار را بخواهد انجام بدهد، وظیفه خودش را باید زمین بگذارد. حالا این وظیفه جدید اگر با نظام ارزشیابی یا مدیریت هماهنگ نشود، خودش در کار مدیر و مدرسه اختلال ایجاد می‌کند! بنابراین نکته محوری که شما خودتان هم اشاره کردید این است که ما آدم‌هایی که در ستاد بتوانند این برنامه‌ها را با هم ارتباط بدهند و تلفیق کنند، نداریم. ولی دفاتر یا حوزه‌هایی که بتوانند هر کدام به طور مستقل به وظایف قانونی خودشان عمل کنند آیین نامه، بخشنامه و دست‌او‌عمل، اجزای برنامه درسی و تکنولوژی آموزشی تولید کنند، فراوان داریم. در نتیجه این اجزای پراکنده به مدرسه می‌رسد و آنجا هم هیچ امکانی برای تلفیق نگذاشته ایم. این مسیری است که اگر ارزیابی نشود و به موقع تصحیح نگردد، نظام وظیفه مدار لنگ خواهد زد.

نمی‌دانم چقدر با تغییر ساختار وظیفه‌گرا در سازماندهی مدارس موافقت دارید؟ آیا به نظر شما هم این نوع سازماندهی باید مورد تجدید نظر قرار گیرد یا خیر؟

مصاحبه‌شمارا با استاد فرهیخته آقای دکتر فانی خواندم. ایشان و خیلی از کسانی که روی مدیریت کار کردند، معتقدند که سازمان‌های بزرگ یا بسیار بزرگ ساختارشان باید تخت باشد. ساختار ستونی و عمودی جواب نمی‌دهد که ایشان یک زمانی بر همین مبنای گفتند: وزیر آموزش و پرورش باید سه معاونت داشته باشد. ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، که باید همه چیز در خودش داشته باشند. بعد یک جایی هم مثل دفتر مشاوران زیر نظر وزیر باشد، که هر کدام از این معاونت‌ها را هم با خود وزیر هماهنگ کند. هر بخش، نیروی انسانی، برنامه، کتاب درسی، ارزیابی و همه چیزش با هم دیده شده و سامان داده می‌شود. استدلال هم می‌کردند. این مدیریت تخت در سازمان‌های بزرگی مثل آموزش و پرورش بهتر پاسخ می‌دهد. تصور این است که ستاد یک بخش متمرکز برنامه‌ریزی آموزشی و طراحی آموزشی باید داشته باشد، همانی که در وظایف سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دیده شده است. این طراحی کلان را باید انجام بدهد که الان بعد از دو سه دهه به فکر افتادند خود طراحی کلان آموزشی نیز سامان می‌خواهد که بحث برنامه درسی ملی همین است.

این طراحی باید در اینجا به شکل کلان دیده شده و بعد در سطوح پایین‌تر ریز شود. بعد اجزایش به بخش‌های مختلف سفارش داده شود. یعنی اگر ما در دفتر تکنولوژی یک حوزه تولید فیلم داریم و این حوزه، تولید فیلم را به افراد متخصص و بخش خصوصی سفارش دهد، هم از توان بخش خصوصی استفاده کنند و هم خودشان این کاره باشند. یعنی بر مبنای سفارشی که طراحی آموزشی می‌دهد، این حوزه‌ها فیلم را تولید کنند و تحویل بدهند. بعد در همان حوزه طراحی آموزشی را انجام داده، بتوانند این تولیدات متنوع، مواد و رسانه‌های آموزشی را با هم تلفیق کنند. لذا با توجه به نگاه شما، به نظر می‌رسد که راه حل همین است.

به نظر شما برای اجرایی کردن این پیشنهاد با چه مشکلات احتمالی مواجه خواهیم شد؟

اگر چه با این راه حل پیشنهادی در حوزه نظر موافقم اما برای اجرای آن بازگیر داریم و آن گیر این است که در یک نظام متمرکز چگونه می‌شود غیرمتمرکز کار کرد؟ وقتی که در فلان روستای کشور یک بخاری آتش می‌گیرد، وزیر در مجلس استیضاح می‌شود. شما چگونه می‌توانید مدیر و مدرسه کارآمد با اختیاراتی مانند یک نهاد اجتماعی که راه حل هم همین است، داشته باشید! اگر این نگاه حاکم بشود، به نظر من تعلیم و تربیت جایگاه خودش را پیدا می‌کند. اگر مدرسه به صورت نهاد اجتماعی تأثیر گذار تعریف بشود، در مناطق مختلف کشور خیلی جایگاه برجسته و تأثیرگذاری خواهد داشت. الان در خارج از کشور مان این طوری است. یک مقداری از این نگاه‌ها آنجا عمل شده، مثلاً وقتی مادر سرپرستی سوریه، لبنان و اردن بودیم، مدیر سفارت وقتی که رایزن را دعوت می‌کرد، مدیر مدرسه را هم دعوت می‌کرد. مدیر هم یک عضو بود در کنار سفیر، کاردار و رایزن فرهنگی و رییس سازمان حج و زیارت هم یک عضو بود و مدرسه استقلال داشت. هر زمان دعوت می‌کردند خود آقایانی می‌آمدند و کسی نماینده نمی‌فرستاد. واقعاً این حسن‌اش بود، البته ایرادهایی هم داشت.

رجبسی: یعنی آنجا مدرسه را در حد یک دانشگاه می‌دیدند.

یک نهاد! این بهترین جایگاهی است، که اشاره کردند. مدرسه یک نهاد اجتماعی و یک سازمان مستقل همچون سایر سازمان‌ها است. اما آیا این نگاه به یک مدرسه و به یک شهرداری، از بینش

مسئولان بگیرد تا یک فرد عادی، یکی است؟ متأسفانه این طوری نیست! در صورتی که خدا و کیلی از نظر نیروی انسانی هم - در این جمع همه آموزش و پرورش هستیم، اینجا حق داریم بگوییم چون جایی دیگر می‌گویند اینجا خیلی خود بزرگ بین شده‌اند - یک مدیر مدرسه، به اندازه آنها درک، توان و مهارت دارد.

همه نهادهای دیگر باید در خدمت مدرسه باشند!

به نظر من یک شاخص توسعه یافتگی همین است که مدرسه به عنوان یک نهاد اجتماعی مستقل تلقی شود. و همه نهادهای دیگر در خدمت مدرسه باشند. هیچ خدمتی والا تر و با ارزش تر از خدمتی نیست که در مدارس به جامعه ارایه می‌شود. واقعاً مدرسه در سرنوشت مردم تأثیر می‌گذارد، الان مدیر ما در مدرسه دست‌اش بسته است. در چهار دیواری مدرسه محدود است. در حالی که مدرسه باید در جوامع محلی نقشی سازنده و پیشرو داشته باشد. اینجا حتی از مدیران مدرسه دعوت نمی‌کنند که در شوراهای محلی حضور پیدا کنند!

به نظر من راه میانبری هم هست و آن استفاده از ساختار نیمه متمرکز است. ما اگر بتوانیم بخش سخت اداره آموزش و پرورش را از بخش نرم آن جدا کنیم و ساختار جداگانه برای هر کدام طراحی کنیم کمی از مشکلات نرم افزاری آموزش و پرورش حل می‌شود. بخش سخت همان پشتیبانی اداری، مالی، حقوقی، استخدام و خیلی از کارهایی است که الان در ادارات مناطق، به صورت متمرکز انجام می‌شود به همین شکل بهتر است و اصلاً در شرایط فعلی نمی‌توان تصور کرد، که غیر متمرکز یا نیمه متمرکز انجام شود.

ولی بخش نرم تعلیم و تربیت، مثلاً نظارت و راهنمایی، توسعه تکنولوژی آموزشی، آموزش ضمن خدمت، تحقیق و توسعه و امثال اینها را باید بسپاریم به نهاد مستقلی مانند تربیت معلم محل یا یک مرکز تحقیق و توسعه که در فضای خاص زیر نظر معاون آموزشی منطقه اداره شود. چرا؟ چون شما وقتی اجزای برنامه درسی را که خیلی فنی و تخصصی است، از طریق بخشنامه به منطقه آموزش و پرورش می‌فرستید، یک نفر مسئول آموزشی نمی‌تواند آنرا برای اجرا در منطقه خودش توسعه بدهد و اجرا کند و موفقیت یا عدم موفقیت‌اش را ارزیابی کند. در اداره فکر می‌کنند که فقط باید این بخشنامه‌ها و دست‌او‌عمل‌ها را به مدرسه برسانند. پیشنهاد ما این است که ابتدا آن را در مرکز تربیت معلم - یا مرکز تحقیق و توسعه یا پژوهش سرا، فرقی نمی‌کند - تجزیه و تحلیل کرده، شرایط اجرایش را فراهم کنند و سپس برای اجرا به مدارس ابلاغ کنند. برای این کارهای کیفی در تربیت معلم کسانی هستند که راحت‌تر می‌توانند روی مفاهیم تعلیم و تربیت تمرکز کنند، به

به عهده سایر معاونت‌ها است. تا امروز همه بخش‌های ستادی آموزش و پرورش در تلاش بودند، ولی نقص اساسی ما این است که این امور پراکنده و آشفته است! یعنی آن نخ تسبیچی که این دانه‌های مختلف را در آموزش و پرورش بهم متصل کند، وجود ندارد. اصلاً نقص ما این است یعنی الان شما اگر گشتی بزنید توی بخش‌های مختلف ستادی که خود شما هم بودید، همه درست کار می‌کنند، ولی جدای از هم. فعالیت‌های مجزا هر کدام برای متصل شدن، به نخ نیاز دارند که اینها را به هم وصل کند، آن الگوی انسجام دهنده پیش‌بینی نشده است. که بتواند آنها را بهم متصل کند، ما این گیر را داریم.

به نظر حضرت عالی چگونه می‌توانیم از مشارکت مدیران و معلمان مدارس برای شناخت و حل مسایل آموزش و پرورش نهایت استفاده را بکنیم؟

یکی دیگر از گیرهای ما بحث «انحصار» است. شما نگاه کنید به کتاب درسی، ما تا امروز هم شعر چند تألیفی چندبار با صدای بلند تکرار کردیم. انگار فقط یک عده‌ای خلق شدند که کتاب بنویسند، یک میلیون و صد هزار نفر، منهای صد نفر خلق شدند تا مصرف کنند و هیچ نقشی هم در تولید محتوای آموزشی نداشته باشند. آقای دکتر سنگری آمدند ابتکاری به خرج دادند. ایشان لایه‌لای کتاب‌های فارسی، صفحه‌ای را سفید گذاشتند و گفتند شما این یک صفحه را خودتان بنویسید. خودشان وقتی اینها را جمع کردند، از میان آن‌ها چیزهایی بسیار وزین و ماندگار در آمد، گفتند ما باید جای مان را به اینها بدهیم. کیفیت تولید‌هایی که در این صفحات آزاد ارایه کردند، خیلی بهتر از مؤلفان درسی است!

من الان استنباطی که از این صحبت‌های مشترک پیدا کردم، این است که ما اهداف آموزش و استاندارد‌های آموزشی را تعریف کنیم، مدیران را خوب انتخاب کنیم، بگذاریم خودشان انتخاب کنند. مثلاً ما حجاب اسلامی را تعریف کنیم، پارچه و رنگ مانتو یا چادر را خود مدرسه انتخاب کند. در کار طراحی آموزشی آن طور که من استنباط کردم، می‌خواهیم کمک کنیم، بچه یاد بگیرد، حالا بتواند بخواند یا بنویسد. آیا همش باید از روی کتاب بخواند، بفهمد و بنویسد. حالا اگر بتوانند از روی فیلم ببینند و یاد بگیرند، چه اشکالی دارد؟

به نظر شما، دانش‌آموزان به عنوان بهره‌بردار نهایی محصولات شما چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟

ان بسیار از بچه‌های کلاس‌گریز ما، بچه‌هایی هستند که در بسیاری از زمینه‌های دیگر پیش‌تازند. اغلب بچه‌هایی که نیروی انتظامی به عنوان دزد، تبهکار، بزه‌کار و ... می‌گیرد، غالباً بچه‌های بسیار با هوشی هستند که کلاس‌های درسی متداول و مرسوم اغناپشان نمی‌کند. الان خیلی از بچه‌ها از معلم‌های شان جلوترند و خیلی از آن‌ها در خانواده‌ها از اولیای خودشان جلوتر هستند. ما در خانواده‌های خودمان می‌بینیم، واقعاً از ما جلوتر هستند. بعد نگاه می‌کنید، می‌بینید خیلی‌ها هم حاضر نیستند، سر کلاس

است. اگر در سطح نظام متخصص و کارشناس طرح داشته باشیم، می‌تواند این طراحی را بکند.

به نظر شما آیا باید برای انجام نوعی از طراحی آموزشی مدارس را آماده کنیم؟

یک مدیر می‌تواند یک برنامه «اجرایی» از عناصر مختلف برای مدرسه طراحی کند که اگر ادامه بدهیم باید بگوییم که مدیر باید این تخصص را داشته باشد. حالا این را ۳۰ ساعته می‌توان آموزش داد، ۴ ساله می‌توان آموزش داد یا می‌توان برایش آموزش ضمن خدمت پیش‌بینی کرد که اگر کارآمدی دوره‌های آموزشی تضمین بشود، شاید نیازی به ۴ سال هم نباشد. یعنی چون در حال حاضر دوره‌های ضمن خدمت ما کارآمد نیست، سنگین جلوه می‌کند. چه بسا اگر مدیران مدارس درست انتخاب شوند با ۲۰ ساعت بتوان یک رویکرد جدید را آموزش داد. فرض بفرمایید رویکرد جدیدی مانند تکنولوژی اطلاعات (IT) (الان وارد آموزش و پرورش شده است، اگر بخواهید مدارس را برای پذیرش این تکنولوژی آماده کنید واقعاً ۲۰ ساعت دوره اختصاصی کفایت می‌کند. در همه کشورها آموزش ضمن خدمت بر مبنای نیازهای فوری طراحی و اجرا می‌شود.

چرا از این فرصت‌هایی که تاکنون داشتیم، نظام آموزشی نظام‌مند را برنامه‌ریزی نکردیم؟

از این بحث به این سؤال رسیدید که اساساً آیا ساختار آموزش و پرورش ما نظام‌مند است؟ وارد چالش اساسی شدیم که آیا این نظام مندی در طراحی کلان آموزشی تعلیم و تربیت ما در کشور ما وجود دارد یا خیر؟ اگر وجود داشت ما به برنامه درسی ملی نمی‌رسیدیم. یعنی خود این که الان بعد از دو، سه دهه نیاز به تدوین برنامه درسی ملی مطرح شده است، از همین ضرورت ناشی شده است.

من در ابتدا هم صریحاً اشاره کردم، که اگر کارایی ما را بخواهید، من الان تا فردا صبح تشریح خواهم کرد که ما چه چیزهایی را تاکنون تولید کردیم، و اگر امکانات بیشتر شود چه چیزهای دیگری را هم می‌توانیم با کیفیت خیلی بالاتر تولید کنیم. روی کیفیت تولیدمان هم دفاع می‌کنیم، در راستای برنامه درسی و استاندارد هم هست، آدم‌های متخصص هم داریم. کم‌اینکه دفتر انتشارات کمک آموزشی هم می‌تواند از تولیدات خود دفاع کند. یک نقش جدید را مطرح کردید و این گمشده ما است که ما در سازمان پژوهش، به عنوان بخش برنامه‌ریزی نظام آموزشی، طراحی نظام آموزشی داریم، اما آیا از این فرصت، نظام آموزشی نظام‌مند را برنامه‌ریزی کردیم یا خیر؟

دفتر برنامه‌ریزی کتاب درسی تألیف می‌کند، ما هم CD آن را تولید می‌کنیم. دفتر دیگری می‌گوید حالا که شما فیلم را تولید کردید به ما بدهید. خود شما برای توزیع و کاربردش حق ندارید برنامه‌ریزی کنید! شما بر مبنای سفارش ما باید فقط تولید کننده باشید. این تولیدات را به ما بدهید، ما تا در بسته‌های آموزشی قرار بدهیم و این را بر مبنای نظامی که تعریف کردیم، به کار خواهیم گرفت. تربیت معلم و ارزشیابی‌اش

اصطلاح درگیر حل و فصل مسایل اداری نیستند.

مثلاً وقتی که کتاب، نوار درسی، ابزار آموزشی و نرم‌افزاری می‌آید، می‌توانند برای اجرا در سطح مدارس منطقه برنامه‌ریزی و نظارت داشته باشند و متناسب با نیاز بین مدارس توزیع کنند و اگر مدرسه و معلمی از نظر فنی نتواند اجرا بکند، آموزش لازم برایش پیش‌بینی کنند. این مراکز می‌توانند تفکری که در بالای آموزش و پرورش و نهادهای پژوهشی هست را از طریق این نهاد فنی مثل تربیت معلم و در منطقه آن دانش فنی و مهارت را به مرور از طریق طراحی آموزشی در سطح مدارس منطقه بومی کرده و توسعه دهند.

آیا در شرایط حاضر دگرگونی در ساختار ادارات و مدارس را ضروری و امکان‌پذیر می‌دانید؟

اجرای این پیشنهاد شما پیش‌نیازهایی لازم دارد. که به عقیده من مهمترین پیش‌نیاز آن ارزیابی بر محور خروجی است. بیابید این نگاه را کمی توسعه بدهیم مثلاً فرض بفرمایید می‌خواهیم اتمییلی را تولید کنیم اول استانداردها را در نظر می‌گیریم. شکل، رنگ، استقامت، توان، سرعت، مصرف و همه اینها را تعریف می‌کنیم. وقتی که به مدیر یک واحد صنعتی می‌گوییم که این خروجی را می‌خواهیم، او بر مبنای خروجی‌های مورد نیاز مشتری، نیرو و مهندس می‌گیرد، سیستم طراحی می‌کند، مواد اولیه می‌خرد، ساعت کار کارکنان خود را تنظیم می‌کند، قیمت‌گذاری می‌کند. یعنی بر مبنای ارزیابی خروجی، برنامه خودش را تنظیم می‌کند. اگر این نگاه در تعلیم و تربیت ما بخواهد داخل شود که به نظر من راه نجات هم همین است، یک سری پیش‌نیازهایی نیاز دارد که یکی از آن ارزیابی و ارزشیابی کار مدرسه بر مبنای خروجی است که البته الان در برنامه درسی دیده شده و بحث‌های متعددی هم در این زمینه مطرح شده است. ما الان به هیچ وجه مدیران را به عنوان یک اختیار دار در مدرسه بر مبنای خروجی‌اش ارزیابی و به او امکانات نمی‌دهیم، اصلاً برای این که خروجی مدرسه چه باید باشد، تعریف نداریم. لذا دگرگونی در نظام ارزیابی و نظام ارزشیابی بر مبنای خروجی به عنوان یک پیش‌نیاز می‌تواند برای تحقق این هدف باشد. چه بسا که اگر این تحول انجام بشود کتاب درسی ما هم تغییر کند، ساعات درسی ما فرق می‌کند، اصلاً زمان درسی ما متحول شود.

آیا شما در صدد هستید که نیروی انسانی تربیت کنید که مجاز باشند و بتوانند از تفکر و نگرش تکنولوژی آموزشی برای کشف و حل مسایل مدرسه استفاده کنند؟

البته من خوشحالم از اینکه نگاه مان مشترک است. یک پیش‌نیاز دیگر آن است که تکنولوژی را روش نبینیم. یعنی تکنولوژی آموزشی را یک طراحی علمی آموزشی و پرورشی می‌بینیم، نه به معنای عرفی معمولش بلکه به عنوان ابزار در سطح کلان، تکنولوژی آموزشی یک طراحی آموزشی

بنشینند و حرف من معلم را گوش بدهند و فقط از روی کتاب درسی بخوانند، حفظ کنند و امتحان بدهند. اهداف، توان و خواسته آن‌ها خیلی جلوتر از ما است.

ما الان درس آشنایی با کامپیوتر را در سال سوم دبیرستان گذاشتیم. الان بچه‌های اول راهنمایی مان اغلب شان اطلاعات کامپیوتری شان از آن کتابی که ما در سال سوم دبیرستان گذاشتیم، جلوتر می‌باشد. اینجا است که به این نقطه می‌رسیم، که اگر ما تولیدمان را برحسب تشخیص نیاز دانش آموزان برنامه‌ریزی و طراحی نکنیم، این مشکل برجای خود خواهد ماند. از این نقطه است که ما می‌توانیم جایگاه مان را در نظام آموزشی پیدا کنیم.

چرا نمی‌توانیم از این آگاهی‌ها برای تحول در نظام آموزش و پرورش استفاده کنیم، به نظر شما چه مشکلی وجود دارد؟

اگر این نقدها، غیر از بحث آزاد در سیستم اداری مطرح باشد، شما نمی‌توانید کسی را بازخواست کنید. خواهند گفت، برای ما وظایفی تعریف کردند. این هم شرح وظایف ما که در آن قید شده، وظیفه شما فقط تولید محتوا است. به نظر من گمشده اینجا است که در طراحی نظام آموزشی، تکنولوژی به این معنی دیده شده که فقط جایگاه تولید امکانات آموزشی را دارد. حالا باز این‌ها سر و سامانی دارد، تولید تجهیزات و وسایل کمک آموزشی با مشکلاتی به مراتب بیشتر از این‌ها مواجه هستند.

شما به کار صنایع آموزشی نگاه کنید؛ آن‌ها هم، کتاب درسی را می‌گیرند، نگاه می‌کنند و خودشان تشخیص می‌دهند که برای تدریس هر موضوعی به چه چیزهایی نیاز دارند، خودشان نیازها را تشخیص می‌دهند و تولید می‌کنند، بعد هم براساس بازاریابی اقتصادی و نه طرح‌های آموزشی، می‌روند هر جور بهتر بتوانند تولیدات شان را از طریق بازاریابی به مدارس می‌فروشند. مدیر هم برنامه‌ای ندارد، که اگر برای مدرسه ۱۰۰۰ تومان دارد چه بخرد و چرا بخرد؛ بستگی دارد چقدر بتوانند رضایت مدیر را جلب کنند. بسیاری از جعبه‌های علوم اصلاً باز نمی‌شود، می‌خرند، می‌برند، ولی اصلاً باز نمی‌کنند ببینند در آن چه هست؟

معلم محور و نمایشی بودن رسانه‌ها و تجهیزات آموزشی

حتی اگر آنرا باز کنند، برای نمایش است نه کاربرد! یعنی معلم این را نمایش بدهد و بگوید این سیستم بادسنج یا صوت سنج است. این که بچه‌ها بخواهند صوتی را بسنجنند، طراحی نشده است. اگر قرار بود این‌ها استفاده بشود، خراب و معیوب می‌شدند. برای این که این اقلام خراب نشود، گاهی به خود معلم هم اجازه نمی‌دهند که آن‌ها را عملاً برای کمک به جریان یادگیری به کار بگیرد یا حتی نشان بدهد. دانش آموز که نباید اصلاً نزدیک بشود.

یک آرزوی بیگانه!

ضمن بازدید از کلاسی در منطقه ۱۶

تهران، از دانش آموز پنجم ابتدایی سؤال کردم، آرزو می‌کنی چه چیزی در اختیار داشته باشی؟ دوست داشتی چه چیزی در کلاس داشته باشی؟ گفت آرزوی من این است که فقط یک بار از پشت این میکروسکوپ مدرسه نگاه کنم، ببینم چی می‌بینم! همان جا از مدیر سؤال کردم، در این مدرسه چند تا میکروسکوپ دارید؟ گفت ۵، ۶ تا هست! گفتم چرا نگذاشتید این بچه یک بار نگاه کند؟ گفت چون به تعداد نداریم، این‌ها گران قیمت است و بچه‌ها خراب می‌کنند! مگر این میکروسکوپ‌ها را گذاشتند که از پشتش نگاه بکنند؟ چرا باید این بچه آرزویش دیدن از پشت میکروسکوپ مدرسه باید باشد؟ چون تعریف نشده که دانش آموزان ما از پشت میکروسکوپ چه چیزی نگاه کنند! معلم هم که حالا دوره دیده یا ندیده یا بلد است نگاه بکند یا بلد نیست، ولی دیگر آرزویی ندارد، چون بالاخره در اختیارش هست. اما چرا با وجود این همه میکروسکوپ برایش آرزو شده است!

چگونگی ارزیابی کیفیت تولیدات

اگر اجازه بفرمایید می‌خواهم این سؤال را از شما بپرسم که آیا شما در آخرین مرحله تولید، محصول خودتان را به مدرسه‌ای می‌دهید که آزمایش کند؟ یعنی اجرا به صورت آزمایشی (پابلوت) دارید؟

بله، ما هر تولیدمان یک فرم ارزیابی هم دارد، اما به این نتیجه رسیدیم که در مدرسه‌ای که مدیرش، فقط مدیر باشد و اصلاً به فرآیند تولید آشنا نباشد، این فرم‌ها را صوری پر می‌کنند.

چگونگی اعتباریابی محصولات

شما یک محصول را با دانش فنی خودتان تولید می‌کنید، در حالی که مصرف‌کننده نهایی شما یعنی معلمان در دسترس شما هستند. مثلاً وقتی یک فیلم برای درس زیست شناسی تولید می‌کنید، ما این همه معلم زیست شناسی داریم، خوب اگر این کار را به طور تصادفی به چند نفر معلم زیست شناسی بدهید که از آن‌ها استفاده کنند، از این طریق و با اظهار نظرهای آن‌ها اعتبار محصول شما بالا می‌رود.

روزی در یک روزنامه خواندم یک شرکت ژاپنی، مدرسه‌ای را در حومه کرج به تجهیزات کامل کامپیوتری مجهز کرد! مدرسه‌ای را از صفر با استانداردهای خودشان به تجهیزات کامپیوتری محصول شرکت خودشان تجهیز کردند. بعد طی مراسم رسمی به اطلاع عموم رساندند. من هر چه فکر می‌کردم که آن‌ها چرا این کار را کردند، دیدم این کار چند فایده برای آن شرکت دارد! حالا شما چرا این کار را انجام نمی‌دهید، در هر استان حداقل یک مدرسه را به محصولات خودتان تجهیز کنید، بگذارید مدارس آن استان نیازهای خودشان را از نمایندگی شما که این بار یک مدرسه است تأمین کند.

در پژوهش هم این روش متداول است که یک ناظر فنی می‌گذارند که مثلاً بر کیفیت کار پژوهشگر نظارت کند، معمولاً ناظر از خود پژوهشگر مهارت بیشتری دارد و پیش‌کسوت‌تر است و معتمد کارفرما است. او می‌گوید به نظر من کار این پژوهش طبق قرارداد و طرح پژوهشی تمام است، و گزارش پژوهش مورد تأیید است، پول پژوهشگر را هم بدهید، تمام. اما محصول یا نظر ناظر نمی‌رود برای تولید انبوه، بلکه باید میزان تأثیر آن به یادگیری عملاً ثابت شود.

قرار است در سال تحصیلی ۸۸-۸۷، بخشی از محصولات مان را به صورت بسته آموزشی مستقیماً به مدارس منتخب بفرستیم

ما از ۱۰۰ نرم‌افزاری که تولید کردیم، ۳۵ درصد آن‌ها را با همین نگاه، بازنگری کردیم و قرار است به صورت بسته آموزشی (package) مهرماه مستقیماً به مدارس منتخب بفرستیم. اخیراً بیشتر به این قضیه نزدیک شدیم. یعنی تولیداتی که همه افراد متخصص اش، خوب انتخاب شده بودند را امسال از مجموعه موجودی مان جدا کردیم و در مهرماه آن‌ها را در سطح وسیع تری به مدارس می‌فرستیم. ارزیابی این‌ها، بر اساس همین روش نظرخواهی از معلم و از مدرسه است. حتی از دانش آموز و از کارشناسان آموزشی و گروه‌های درسی هم در این زمینه نظرسنجی می‌کنیم، که این‌ها جواب می‌دهد.

در حال حاضر چه کسانی و چگونه در فرآیند تولیدی شما چقدر دخالت دارند؟

در راستای نکته‌ای که اشاره کردید و بسیار درست هم می‌باشد، دو تا تغییر در این سه سال اخیر ایجاد کردیم. یکی اینکه در فرآیند تولیدی خودمان گروه‌های آموزشی و معلمان را هم، دخالت دادیم. فقط به شرکتی که در فراخوان برنده می‌شود یا نظریه کارشناسی ناظر، اتکا نمی‌کنیم. می‌گوییم آقای... شرکت... شما از نظر فنی و قیمت برنده شدید، دستتان هم درد نکند، کارشناسان آموزشی و نیروهای ما باید معرفی کنیم و اینها را از نیروهای ستادی هم معرفی نمی‌کنیم، از گروه‌های آموزشی مناطق و شهر تهران معرفی می‌کنیم. امسال برای تولید ۲۲ عنوان نرم‌افزار، مناقصه اش برگزار شد. شرکت‌ها آمدند. الان عوامل و افرادی که از گروه‌های آموزشی داخل آنها برونند، باقی مانده است. برای شان حق الزحمه تعیین کردیم، موظفشان کردیم، که شما باید از نیروهای گروه‌های آموزشی استفاده کنید. چون آنها در تهران برنده شدند، فعلاً سطوح تهران را گرفتیم که باز این تفاوت را نشان خواهیم داد که حالا تهران الزاماً برای تمام کشور نمی‌تواند نسخه بدهد، اما این کار را شروع کردیم و اگر این کار را توسعه دهیم و استان‌ها توانمندی و تمایل داشته باشند و بتوانند در بحث‌های مناقصه ما، در طرح‌های آینده جلو بیایند، قطعاً گام بسیار موثری خواهد بود.

برای ایجاد فرهنگ تولید و کاربرد نرم افزارهای آموزشی در مدارس چه برنامه



تولیدات الکترونیکی همکاران فرهنگی مان را که در شبکه رشد ارایه شود، ما امتیاز تالیف به آنها بدهیم. امتیاز تالیف برای درج محتوای الکترونیکی. تا الان مقاله از جایی کپی می کردند یک جلد برایش می گذاشتند، امتیاز هم می گرفتند. بعد CD تولید می کردند، متولی نداشت، امور اداری ها و کارگزییها می گفتند، ارزیابی محتوای الکترونیک جزو برنامه ما نیست، پرواز آن پرینت بگیر بیار، تا ما روی سند کتبی برای شما امتیاز بدهیم. الان این هماهنگی را انجام دادیم. باید این کار را عملیاتی کنیم که محصول را به نام تولید کننده آن عرضه کنند، وقتی با نام خودشان باشد، این به اصطلاح ایجاد فرهنگ می کند.

از این نرم افزارهایی که شما ارزیابی می کنید، عملاً چقدر در مدارس استفاده می کنند؟

کلی از نرم افزارهایی که مثلاً از نظر ما گواهی ارزیابی دارد، در مدارس به کار گرفته نمی شود. مدارس متعددی من رفتم، اما در مدارس خاصی که ما تحت عنوان مدارس هوشمند تعریف کردیم، مدارس هستند که از تکنولوژی اطلاعات استفاده می کنند. البته هوشمند به آن معنا نداریم، اینهایی که ما رفتیم، بچه ها هم شبکه رشد را می شناختند و هم راضی بودند و هم نظر می دادند. مثلاً به مدرسه آبسال که رفتم، گفتم شبکه رشد را می شناسید؟ گفتند بله، کار می کنیم. آوردند و بچه ها هم نظر دادند. می گفتند قسمت زیست تان خوب است و نظر می دادند که شیمی این جور بشود، بهتر است. ضمن اینکه استفاده می کردند و تأیید هم می کردند. راجع به نرم افزار نظر می دادند و معلوم بود، استفاده هم می کنند و آشنا هستند.

موانع کاربرد تکنولوژی آموزشی جدی است!

رجبی: اگر اجازه بفرمایید، من چند نکته را توضیح بدهم. در سه، چهار سال اخیر که به مدارس استانها رفتم، مثلاً به ایلام که دور افتاده است و توی کانتینرها درس می دادند یا در اصفهان در شیک ترین مدارس، وضع یک جور است. ما برای استفاده

است؟
امسال که سومین دوره از همین کار است، حدود ۲۰۰۰ نرم افزار از دانش آموزان و معلمان مورد حمایت دوستان ما قرار گرفته است که اینها را از ۵۰،۴۰ هزار تومان داشتیم تا دو، سه میلیون تومان که به حساب شان بریزیم، هنوز هم یک تبلیغ تلویزیونی نداشتیم، دوره دوم را یک بار از طریق مجلات رشد اعلام کردیم. به نظرم می رسد که این یک کار زیر بنایی و ریشه ای است که می تواند ایجاد فرهنگ تولید محتوا و رقابت کند و معلم را به کاربرد این محصولات آموزشی تشویق کند. در این کار، ایجاد فرهنگ از همه بالاتر است. آرام داریم مشکلات این طرح را بررسی می کنیم، چون می دانید در کشور ما، یک طرح را نمی توانید یک دفعه جا بیاندازید. الان در سومین دوره اجرای این طرح، روی دو هزار تا که حدود ۱۵۰ یا ۱۶۰ تا بود، که همین امروز امضا کردم که برود به حساب آنها و مجموعه تولیدات آنها کتاب بشود.

آیا کار شما جنبه حمایتی دارد، یا کشف محصولات جدید با استانداردها؟

کار ما جنبه حمایتی دارد، البته از این دو هزار تایی که حمایت شده اند، قطعاً چهل، پنجاه تا کار، به درد عرضه می خورد. خیلی از آنها ارزش شان در همین حد است که به ما می دهند. آنهایی که به درد می خورد را نمی دهند و باید از آنها بخریم. قیمت خرید محصول با قیمت حمایت آن ها فرق می کند. دوستان بررسی می کنند و می گویند بخریم یا نه. قطعاً این محصولی را که ما بخریم، نصف قیمت بیرون است. حداقلش، چون این کار معلم است که تولید کرده است. ما از او می خریم می دانند ما قصد سود جویی نداریم. می خریم که مجانی در اختیار مدارس سراسر کشور قرار بدهیم. این هم یک اقدامی بود که ما در راستای فرهنگ سازی از سه سال پیش آغاز کردیم.

اکثر معلمان قصد خرید و فروش آثارشان را ندارند، آیا برای آن ها امتیازات دیگری به غیر از لوح تقدیر و کمک مالی پیش بینی کرده اید؟

یک کار دیگری که ما انجام دادیم، یک امتیازی از اداره کل امور اداری گرفتیم. که مقالات و

هایی در دست اجرا دارید؟

یک کار دیگری هم انجام دادیم، البته سه سال چراغ خاموش حرکت کردیم. اما امسال یک مقدار آن را توسعه دادیم و دیدیم در بعضی از مناطق و استان ها، به صورت خودجوش جشنواره هایی مانند جشنواره تولید محتوای الکترونیک برگزار می کردند. مثلاً معلم می آمد یک درس اش را به صورت اسلاید آموزشی (power point) ارایه می کرد و اسمش را محتوای الکترونیکی می گذاشت. یک جایزه و تقدیر نامه هم می گرفت و می رفت.

سه سال پیش ما آمدیم و بخشی از منابع مالی مان را به تقویت آن ها اختصاص دادیم. گفتیم حالا که این بندگان خدا به هزینه خودشان نرم افزار آموزشی تولید کرده اند و این کارها ارزیابی هم شده است، مثلاً ۵۰/۰۰۰ تومان خرج کرده، ما دعوتش می کنیم، به او یک لوح تقدیر و یک کتاب هم در کنارش می دهیم. برای شان خیلی ارزش دارد. بیاییم بخشی از هزینه های شان را به آن دانش آموز یا معلم بدهیم که برود دفعه بعد، با انگیزه بیشتری کار کند.

می خواستم سؤال کنم، به چه نیتی به چنین تجربه وسیعی دست زدید و این کار چه تأثیری بر انجام وظایف شما دارد؟

فکر را ایجاد کردیم، سال اول ۷۰۰ تا نرم افزار آمد، یعنی اعلام کردیم که معلمان و دانش آموزانی که در ارتباط با کتاب های درسی نرم افزار تولید کردند، برای ما بفرستند. بخش نامه ای که در تابستان به شهر تهران رفت، حدود ۸۰۰ تا نرم افزار آمد. ۷۰ تایی آنها خوب بود، این نشان می داد که دانش آموز و معلم خوب استقبال کردند. ۷۰۰ تایی آنها را تقویت کردیم. یعنی پول ریختیم به حساب شان و دعوت شان هم کردیم، البته تعداد شان کم بود. در همین سالن پایین فیش هایی که ریخته بودیم به حساب شان با تقدیر نامه دادیم و یک جریانی ایجاد کردیم. سال دوم نتیجه این شد که ۷۰۰ تا آمد. باز هم چراغ خاموش، چون می ترسیدیم که اعتباری که برای این کار پیش بینی کرده بودیم، رقم چندان نبود.

سال دوم که پارسال بود ۷۰۰ عنوان نرم افزار از معلمان و دانش آموزان را حمایت کردیم، از دوستان هزار تومان تا دو سه میلیون تومان دادیم. گروه ارزیابی می کرد و می ریختیم به حساب آنها، اثر فوق العاده بالایی داشت. از توی آنها ۱۲،۱۰ تا نرم افزارهای به درد بخور با کیفیت بالا بود. یعنی با تولیدات شرکت ها برابری می کرد و حتی بهتر از آنها، یکی از آن ها شیمی ۲ است، که الان بهترین نرم افزار ما شیمی ۲ است که دو، سه نفر از معلمان به طور مشترک تولید کرده بودند. حدود شش تا هفت میلیون هم برای شان خرج برداشته بود. نرم افزاری در این حد، در کف بیست میلیون است. اینها را با پرداخت حق مؤلف اش خریدیم. پارسال این محصول را عرضه کردیم. هم از طریق شبکه رشد در دسترس مدارس است، هم نرم افزار را به صورت لوح فشرده سطح کشور عرضه کردیم.

امسال چه تعداد از این تولیدات الکترونیکی مورد حمایت شما قرار گرفته



باقری: برای ایجاد انگیزه در آینده چه کارهایی انجام می‌دهید که موجب انگیزه بشود تا معلم‌ها برای استفاده از این مواد و رسانه‌ها راغب‌تر باشند؟ به طور کلی برای آینده تکنولوژی در آموزش و پرورش چه برنامه‌ای دارید؟

یکی از نکات ما همین است «حمایت». اصولاً در سیستم آموزش و پرورش طرح را باید آرام آرام جلو برد، شروع هم باید کرد. یعنی اگر بگذاریم کامل شود و بعد بخواهیم اجرا کنیم عمر مدیریت‌ها آن قدر نیست. من گفتم آهسته بیایم برای اینکه خودمان را بسنجیم. این یک نوع پایلوت کردن بود، خودمان اول باید ببینیم چه کار می‌خواهیم بکنیم. ببینیم آیا ثمر دارد، پژوهش و پرس و جو کنیم. من احساس می‌کنم نتیجه این کار خوب است. یعنی حداقل تأثیرش فرهنگ سازی است. فرهنگ سازی برای تولید، استفاده در بین قشری که مخاطب ما هستند. یعنی اصل کار ما این است. بعد باید این کار را به شکل یک برنامه در آوریم. الان با این سه دوره‌ای که این طرح را اجرا کردیم، به این نتیجه رسیدیم که باید قطعاً این را یک برنامه بکنیم. استفاده از تکنولوژی جدید برای کمک به تدریس و یادگیری است. هدفمان فرهنگ سازی است. بالاخره در تکنولوژی اطلاعات IT، تولید کننده همان استفاده کننده و برعکس استفاده کننده همان تولید کننده است. یعنی اگر ما بتوانیم یک تعامل این شکلی را برقرار کنیم، خیلی جلو افتادیم. این برنامه‌ای است که می‌خواهیم خیلی جدی رویش کار کنیم.

استقبال معلمان و دانش‌آموزان از اجرای طرح تدریس

باقری: هر معلمی برای درس‌اش طرح درس دارد. من معتقدم، باید به این تجارب خرد در آموزش و پرورش بها داد.

شما وقتی تدریس می‌کنید، خواه یا ناخواه بر اساس یک مدلی تدریس می‌کنید. ما اگر به شما آموزش بدهیم، می‌توانید این مدل‌تان را جدید کنید، تأثیر بیشتری می‌گذارد، چرا استقبال نکند! من معتقدم معلم قالب دارد، معلم طرح درس دارد و معلم آماده است که روش بهتر را برای تفهیم خودش یاد بگیرد. هر معلم دلسوز و آگاهی از این که زحمت را می‌کشد و بعضی از دانش‌آموزانش نمی‌فهمند، رنج می‌برد. دلش می‌خواهد در روش بهتری را که احاطه دارد و انرژی مصرف می‌کند، بچه‌ها بیشتر بفهمند و لذا به نظر من اگر معلم درس‌اش را هم با استفاده از اسلاید آموزشی (power point) اجرا کند، نمایش فناوری جدید است. آخرش می‌رسد به جایی که خودش انیمیشن تولید می‌کند، چرا نتواند؟ نمی‌خواهم بگویم همه معلم‌ها انیمیشن تولید کنند، ولی اگر در این مسیر فرهنگ سازی شود، به آنجا هم می‌رسیم.

به نظر می‌رسد، به نسبت دهه گذشته، وضعیت درون مدارس تغییر و تحول بیشتری یافته است، آیا به نظر شما این طور نیست؟
ان خیلی از مراکز تربیت معلم ما کاملاً با قبل فرق کرده‌اند. خودم کلاس‌های حج و زیارت که می‌روم، تدریس می‌کنم کلاس‌های شان قبلاً خیلی مشکل داشتند. لب‌تاپ، دوربین و پروژکتور

خوب برای آن جایزه این کار را می‌کند یعنی شما معلم و دانش‌آموز را با امتیاز شرطی می‌کنید، تجویز می‌کنید، می‌گویید هر کسی این کار را نکرد تنبیه می‌کنید و هر کسی این کار را کرد، جایزه می‌دهید. مدلی که من می‌گویم اصلاً بخشنامه‌ای و تجویزی نیست. من اصراری نمی‌بینم که همه مدارس و معلمان حتماً باید از CD آموزشی استفاده بکنند. اما شما از یک معلمی می‌خواهید که به خاطر ارزیابی محصول شما این کار را انجام دهد. از او بخواهید یک سال تحصیلی این وسیله را در مدرسه استفاده کنید. بعد همین جور هر سوم هم درس بدهید یا هر جور می‌خواهید درس بدهید. ولی نتیجه‌اش را به ما اعلام کنید. بگذارید آن‌ها پس از آزمایش بگویند نمی‌شود. بگذارید آن‌ها بگویند برای امتحان مشکل پیدا می‌شود یا اولیا اعتراض می‌کنند. شما تصور می‌کنید این طوری است ولی وقتی او رفت این تجربه را کرد، ضمن اینکه اعتبار کار شما را به شما گزارش می‌دهد، موانع محیطی را هم به شما گزارش می‌دهد. مثلاً می‌گوید من می‌خواهم این را اجرا کنم، مدیر نمی‌گذارد یا امتحان نمی‌گذارد. بگذار او بگوید این مدل با بخشنامه و هدیه و تجویز فرق می‌کند. در واقع شما مامور می‌شوید که به عنوان همکار ما، یعنی شما در سیستم و بلوچستان هستتید ولی همکار من هستتید، در دفتر تکنولوژی که همانطوری که من این را بر دم اعتبار یابی کردم، گفتم خوب است، جایزه دادم، شما هم این را می‌برید استفاده می‌کنید و می‌گویید خوب است. جایزه‌ات هم همان پولی است که اول می‌گیری که این کار را می‌کنی، نه این که آخر. یک بخشی را شما قرارداد می‌بندید. یک بخشی را اول می‌گیری، این کارها را طبق قرارداد اجرا می‌کند و گزارش می‌دهد. اعتبار یابی به این معنی است. اگر واقعاً در یادگیری مؤثر بود خودش می‌شود، مبلغ و معرف کار آبی محصول شما.

برنامه‌ای برای آینده تکنولوژی در آموزش و پرورش

از کتاب درسی الزام داریم اما برای استفاده از تکنولوژی آموزشی و کمک آموزشی الزامی نداریم. یعنی اگر ما مدیر مدرسه را ملزم بکنیم، این فرضی که شما می‌فرمایید به نظر من زمانبر است. چیزی که شما از آموزش و پرورش فعلی ما می‌خواهید، با شرایط فعلی حداقل سه، چهار سال زمان می‌برد. سه، چهار سال زمان بردن یعنی یک دانش‌آموز اول دبیرستان که در حقیقت مخاطب این طرح شماست، دانشجوی سال اول دانشگاه شده است. یعنی توی این سه، چهار سال هیچ اتفاقی نیفتد؟ من معتقدم این بحث درس ملی باید دو قسمت باشد یعنی یک قسمت، ما امروزمان را ببینیم. یعنی راحت‌تر می‌شود مدارس را ملزم به استفاده از تکنولوژی آموزشی کرد. بعد با بخشنامه‌ای که می‌توان صادر کرد و با نظارتی که هست، می‌توان این فکر را توسعه داد. هر چند که ما معتقدیم که فقط بخشنامه کردن خوب نیست. اما حداقل برای این کار، معلم مجبور است از کتاب درسی استفاده کند. اگر به خیلی از معلم‌ها اجازه بدهیم این کار را نمی‌کنند. یک جزوه هفت، هشت صفحه‌ای برای پایان ترم می‌دهند، می‌گویند از توی این چند صفحه، چهار صفحه‌اش برای امتحان می‌آید. یعنی در مدارس ما واقعیت این جور است. ولی چون استفاده از کتاب درسی در امتحانات نهایی یک الزام است، اگر معلم آن کتاب درسی را تدریس نکند، دانش‌آموز نخواهد توانست از عهده امتحان نهایی برآید. بنابراین موظف می‌شود که آن کتاب درسی را استفاده بکند. اگر ما بیاوریم در امتحانات مان آن را بسنجیم. یعنی بگویم مثلاً پنج نمره درس شیمی به دانش‌آموزی داده می‌شود که آن نرم افزار را دیده است و حالا بیاورد شرح دهد. نمی‌دانم حالا یک جور بیاورد امتحان را ببیند، مطمئن باشید در همان سال اول وقتی که به یک الزام تبدیل بشود، کاربرد این نرم افزارهای آموزشی و کمک آموزشی گسترش پیدا می‌کند، حالا شاید این حرف کارشناسی نباشد.

الگوهای تجویزی، وصل است به منبع قدرت!

اصلاً گسترش پیدا بکند یا نکند، چه ارزشی دارد؟ ببینید الگوهای تجویزی به منبع قدرت وصل است. شما می‌گویید اگر این کار را بکنی، من بهت جایزه می‌دهم،

بعضی از معاون های وزیر هم از این طرح استقبال نکردند. اما من فایده این کار را قبلاً چشیده بودم که اگر یک جوان علاقمند، وزین و وارد بیاید، این شبکه ای برای اتصال به جوان های دیگر بشود. این مجموعه به حرکت در می آید. ولی فرض بفرمایید شما فردای آید می گوید این حرف ها چیست؟ قانون که معلوم نکرده است نه قانون نه برنامه مدونی برای این نداریم! حداقل فایده این کار این است که بالاخره امروز و فردا ما بازنشسته می شویم، خوب تاریخ مصرف ما چند سال دیگر است! هر کسی تاریخ مدیریتش بالاخره تمام می شود. چرا تجربیات خودمان را به جوانان منتقل نکنیم. چرا مدیری مانند خودمان ایجاد نکنیم؟ الان شادروان دکتر کاردان درست است که هزاران شاگرد دارند برایش غصه می خورند، سینه می زنند، اما یک کسی هست که بگوید آن زمانی که زنده بود چرا به فکر انتقال تجربیاتش نبودید! مادر این زمینه ها نقص اساسی داریم.

نکته ای در صحبت های شما بود. ببینید ما نخبه پروری می کنیم، ولی ایجاد فرهنگ نمی کنیم. الان یک مشکلی که ما داریم این است، من و بترین آموزش و پرورش را می توانم به شما نشان دهم، ولی انبار هم باید پر باشد! ۱۰ تا ۲۰ مدرسه نرم افزار دارند و از شبکه رشد هم استفاده می کنند، بسیار عالی است. حالا اگر شما سؤال کنید پنجاه تا نرم افزار دیگر دارید که بین این شصت هزار واحد آموزشی متقاضی توزیع کنیم؟ باید بگویم شرمند ام، همین ها بود. البته هیچ مسئولی سؤال نمی کند و هیچ غیرمسئولی هم جواب نمی دهد. درک این مسایل نگاه های تیزبین می خواهد. این رقابت ها برای شناخت و معرفی نخبه ها خیلی عالی است. اما اگر سؤال کنیم بیست تای دیگر از این نخبه ها به من معرفی کنید، من لازم دارم، الان خبری نیست و لذا نکته بعدی فرهنگ سازی است و ورود به بسترهای موجودی که هست که بتوانیم این فرهنگ را به نحوی گسترش بدهیم.

به عقیده شما نگاه مدرسه ای به مسایل آموزش و پرورش از چه درجه اهمیتی برخوردار است؟

الان که شما صحبت می کردید، مسئله ای به ذهنم رسید که در آموزش و پرورش خیلی مهم است. من کارم را از یک مدرسه چند پایه روستایی شروع کردم. یعنی در شروع کارم در مدرسه راهنمایی روستایی تدریس می کردم. الان که به استاد فانی اشاره کردید، رمز موفقیت آقای فانی این است که پله پله از سربازی به سرلشگری رسیده بودند. یک گیر ما در آموزش و پرورش همین است که دقت کنیم همه مدیران و معلمان ما این سلسله مراتب کسب تجربه و کارآموزی را به دقت طی نمایند. اگر یکدفعه مسئولیتی به آدم تحویل کرده اما بی تجربه بدهیم تا به خودش بیاید، همه چیز به هم می ریزد، نگاه مدرسه ای یعنی همین و این به نظر من خیلی مهم است که همه مدیران و کارشناسان و معلمان ما این دوره های کارآموزی را از روستا به شهر و از پایین به بالا طی کنند. به عقیده من بقیه قضایای آموزش و پرورش بر این سلسله مراتب تعهد، تخصص و تجربه قابل اتکا، حل و فصل می گردد. گاهی اوقات شاگردان مدارس راهنمایی من

جزوه عادت دارند و استقبال داریم آن ها را از دست ندهیم. اما تیراژ یک هزار نفر می شود، پنجاه هزار یا نهصد هزار. صرفه جویی در هزینه هم هست. بچه ها با فناوری آشنا می شوند. ورود به سیستم را یاد می گیرند، وارد می شود و با نام خودش می فرستد. با نام خودش ثبت می شود.

لطفاً بفرمایید برای انتشار بی واسطه اطلاعات آموزشی از طریق شبکه رشد چه برنامه هایی دارید؟

یک برنامه ای که ما از سه سال قبل داریم و استقبال هم می کنند، این است که بلافاصله پس از پایان هر امتحانی سؤالات امتحانات را در شبکه رشد قرار می دهیم، قبلاً در عرض سه ساعت این کار را انجام می دادیم، امسال یک ساعتش کردیم، بعد از پایان امتحان سؤال را با جوابش در شبکه می گذاریم. باور کنید تا دو ساعت معطل می شدند که بروند. ما به سازمان سنجش و به دو، سه جای دیگر هم اعلام کردیم که این حجم از بین برود. دانش آموزی که امتحان نهایی داده است، می خواهد ببیند جوابش چه هست، خودش برود تصحیح بکند. وارد بشود. خود این ورود به شبکه مهم است. وقتی ورود پیدا کند، باید یک فنی بلد باشد. اگر هم بلد نباشد باید یاد بگیرد، این یعنی ترویج فرهنگ.

به نظر شما در حال حاضر ما از همه ظرفیت های موجود تکنولوژی آموزشی مان استفاده می کنیم؟

من معتقدم بسترهای موجود، باید توسعه پیدا کند، ما هنوز از همه ظرفیت های موجودمان به نحوی احسن بهره برداری نکرده ایم. اگر بخواهیم روی طرح های جدید سرمایه گذاری کنیم، مقاومت می شود، اذیت می شویم. طرح جدید همیشه با مقاومت همراه است. اما طرح های موجود را می شود کم کم توسعه داد و کامل تر کرد.

ما هم اکنون دارالقرآن مجازی را ایجاد کردیم. استاد کریم منصوری را چه طور می توان از تهران به زاهدان برد؟ نمی شود! اما دارالقرآن مجازی را می توان به زاهدان برد. الان خانم تاجیک دارد به روش اینترنتی و همزمان برای معلمان در سطح کشور تدریس می کنند. اینها آموزش بدهند، فرق دارد با آموزش در کلاس های ضمن خدمت! استفاده از ظرفیت تکنولوژی اطلاعات در وزارت آموزش و پرورش یکی از معنایش همین است. این ها گوشه ای از گام هایی است که ما در این زمینه ها برداشتیم، شروع کردیم. نکته ای که من اول عرض کردم، این ها در آموزش و پرورش بستگی به فرد دارد. شما اگر جایی باشید، من مطمئن هستم جریان ایجاد می کنید، اما اگر نباشید جریان قطع می شود. یا ادامه پیدا می کند. ما این مشکل را داریم. بنده امروز هستم، کسی به من نگفته است که این کارها را انجام بدهید. یعنی در سیستم و نظام وظیفه ای من، این کارها و برنامه ها پیش بینی نشده است. مثلاً وقتی گفتند معاونت های وزیر می توانند مشاور های جوان داشته باشند، بنده جزو اولین کسانی بودم که از این فرصت استقبال کردم. مشاور من از صبح تا حال در کنارم هست. چون می بینم که خیلی خوب است اما وظیفه ندارم که حتماً مشاور جوان داشته باشم، لازم نیست همه مدیران در کنارشان مشاور جوان داشته باشند.

و حتی سه راهی را با خودم می بردم. این دفعه که رفتم فقط با خودم فلش (Flash) بردم. الان همه چیز درون کلاس آماده استفاده است. این یک گام است، نمی خواهم بگویم همه گام ها است. ولی یک گام هست. بالاخره همین که فهمیدند که ابزار باشد و معلم هم باید و عرضه کند، برای خود من به عنوان یک معلم خیلی خوب است. یعنی آنجا که می روم به روش سخنرانی که سنتی ترین روش است و اثری از من می گیرد درس را عرضه می کنم، اگر من فیلم و امکانات کمک آموزشی و تجهیزات دیگر را هم در اختیار داشته باشم، استهلاک خود من کمتر می شود. اگر چه در بیرون باید برای آماده سازش زحمت بیشتری بکشم. اما در دراز مدت زحمت ها رحمت می شود.

آیا برای ایجاد تحول در آموزش و پرورش فقط فرهنگ سازی کافی است؟

یک نکته هم این است که برای استفاده و فرهنگ سازی بهتر، تحول در برنامه جاری آموزش و پرورش لازم است، اما من احساسم این بود که فقط فرهنگ سازی یا حمایت کافی نیست. بر مبنای این ضرورت بود که این ما با همکاران مان در معاونت فناوری وارد شدیم تا روش های سنتی آموزش و پرورش که جاری و جا افتاده است را بر مبنای IT متحول کنیم. مثلاً کارهایی که ما شروع کردیم، ما رتیم دیدیم که مثلاً مسابقات اذان، احکام، قرآن و نماز را آموزش و پرورش به روشی کاملاً سنتی اجرا می کند. کتابی را چاپ می کنند و سؤالی می فرستند، روش روزنامه ای هم هست. همین امروز ما پوستری چاپ کردیم از کارهای آقای قرائتی. گفتیم شما هر هفته مصاحبه آقای قرائتی را می دهید بچه ها گوش بدهند، بنویسید، ادامه دادن به این روش اشکال دارد. مثلاً اگر بچه ها بلافاصله بخواهند پاسخ سؤالات شما را با پیامک برای شما بفرستند، آیا اشکالی دارد. اگر به بچه ها بگوییم هر کسی هم که یک درس آقای قرائتی را Power point کند و CD را برای ما بفرستد، به او هم جایزه می دهیم. می رود یک جایی را پیدا می کند و این کار را می کند. هر کسی هم که بخواهد این کار را می کند، اشکال دارد؟ یک سایت شما بدهید، او وارد شود، خلاصه ای از آن را برای شما بفرستد یعنی پست الکترونیک کند. استقبال کردند، گفتند خیلی هم خوب است، ما مدت ها به دنبال چنین سیستمی بودیم! گفتیم ما متولیش هستیم. الان یک پوستر زدیم. خیلی از این طرح ها به روش سنتی دارند اجرا می کنند. بستر هم موجود است، شما بیایید این بستر را استفاده کنید، البته همه موانع را نمی توان یکجا از میان برداشت. آنها استقبال می کنند وقتی می بینند یک میلیون نفر هم از این طریق بیایند، پاسخ بدهند، نظر بدهند.

مثلاً قصد دارند برای هیچ بلاغی جزوه ای منتشر کنند. هر سال مناقصه می دهند میلیون ها تومان، برای چاپ خرج می کنند. پیشنهاد کردیم PDF بگیرد و بدهید. صد هزار تومان خرج بر می دارد! یا محتوای مورد نظر خودتان را بگذارید در شبکه رشد، یک صفحه هم طراحی کنید، از بچه ها در هر جایی بخواهید پاسخ بدهند. البته من معتقدم با این همه باید جزوه هم باشد چون به همه جامی رود. آن عده ای که به کتاب و

که حالا برای خودشان کسی شدند، می آیند، سر می زنند. مثلاً من یادم است که اینها را من به روستایی بردم خوش آب و هوا و وضو و نماز و... را آنجا یادشان دادم. روز قبلش هم به آنها گفتم غذا هم بیاورید. آن موقع بحث اردو و امور تربیتی هم نبود. آلبوم های عکس شان هست. برای من خاطره شده است. روی هم آب می ریختند و بازی می کردند ولی به صورت عملی یاد گرفتند.

اینکه الان الگوهای آموزشی را مرور می کنیم، مهم این است که وضو را یاد بگیرند، از روی کتاب خیلی چیزها را یاد نمی گیرند فقط حفظ می کنند، خوب آنها را برید به طبیعت هم یک تفریح کنند، بدون آب هم روی هم بریزند، یکدیگر را در جوی آب بیاندازند، بعد آخر سر، خروجی اش این باشد که همه وضو را به صورت عملی یاد گرفته باشند. مگر ما همین را نمی خواهیم! حالا یا با فیلم یا بار دو محقق می شود یا با کار دیگری... بچه ها شوخی می کنند، فوتبال بازی می کنند، و در جریان بازی یاد می گیرند.

رجیبی: تعریف ما از مدارس کارآمد چیست؟ یعنی اگر ما خروجی کارآمد داشته باشیم، می توانیم بگوییم مدرسه کارآمد است؟

کارآمدی یک حد مشخصی نیست. اگر کارآمدی یک حد مشخصی از نظر روش یا مقصد باشد که شما بتوانید فوراً بهش برسید، بعد وقتی رسیدید، خواهید گفت حالا من به مقصد رسیدم. بعد چی؟ شما باید

دایماً در حال یادگیری باشید. حتی وقتی انتخاب روش می کنید باید دایماً سمت و سوی حرکت خودتان را کنترل کنید که منحرف نشوید. یک مقصد متعالی پشت این مفهوم است که شما باید به سمتش حرکت کنید.

کارآمدی، حرکتی به سمت تعالی

رجیبی: یعنی انتهای ندارد، این سمت گیری شما، یعنی مدرسه کارآمد هیچ خروجی کارآمدی ندارد؟ از اول تا آخر، منظور تعالی سازمانی است، مدارس کارآمد آنقدر سعی و خطا می کنند تا به حقیقت مورد نظر خودشان برسند. یعنی شما اگر حدی برایش تعریف کنید، بهش می رسید، بعد می خواهید چه کار کنید. لابد می خواهید به دیگران درس بدهید، خوب خودتان درجا می مانید! این حرکتی هست برای همه به سمت تعالی، برای رسیدن به کیفیت متعالی. برای همین است که هر کسی قرائت خودش را از کارآمدی دارد. یکی می گوید مدرسه کارآمد یکی می گوید مدرسه برتر و... مهم هم نیست.

کارآمدی یک مفهومی است که در نظام صنعتی تعریف شده است، یعنی در عین حالی که ما ادعا می کنیم این سمت است یک مقصد قابل اندازه گیری هم هست. ولی مهم نیست که شما به چه وجهی از مفهوم کارآمدی توجه دارید. من خودم شخصاً وجه ادراکی و نگرشی

مفهوم کارآمدی را در نظر می گیرم، نه وجه اندازه گرفتنی و اثبات کردنی اش را...

رجیبی: از آن طرف آن خروجی مدرسه می خواهد در دانشگاه برود. می توانیم از این دانش آموز یک دانشجوی کارآمد بسازیم؟

بله شما وقتی در خانواده درست درس بخوانید، در مدرسه هم درست درس می خوانید. اگر در خانه به شما بگویند درس بخوان، در مدرسه هم معلم مراقب درس خواندن شما باشد که شما خوب درس بخوانید و اگر خودگردان نباشید چه در دانشگاه و چه در مدرسه و چه در خانه فرقی نمی کند. شما باید خودت بخوای درس بخوانی. این خودگردان شدن دانش آموز اگر اتفاق بیفتد، یک آدم کارآمدی است. مگر این که ما بیاییم این الگو را نقض کنیم بگوییم اصلاً انسان نباید خودگردان درس بخواند. حتماً باید یک کسی بالای سرش باشد یا اصلاً امکان ندارد کسی خودگردان درس بخواند اینها دیگر بحث های نظری است. یعنی آنچه تئوری تعلیم و تربیت و عقلانیت بشر به آن می رسد. اگر ما به آن سمت حرکت بکنیم به کارآمدی می رسیم. بنابراین مفهوم کارآمدی، مفهومی پویا و در حال تکامل است. ایستا نیست که شما به آن برسید و بگویید حالا من کارآمد شده ام!

اولین واکنش رسمی نسبت به انتشار فصل نامه مدارس کارآمد از جانب شما بود!

آقای کفاش! از این که با سؤالات بی پایان و پراکنده خود شما را خسته کرده ایم و از اینکه با صبر و حوصله و با دقت به سؤالات ما پاسخ دادید، از شما سپاسگزاریم. مفتخریم که اولین واکنش مثبتی را که به طور رسمی از مدیران آموزش و پرورش داشتیم، از سوی شما بود که پس از انتشار اولین شماره فصل نامه مدارس کارآمد بر ما منت گذاشته و با نامه خود ما را بسیار خوشحال فرمودید. اولین لوح تقدیری که در آن زمان برایمان ارسال کردید برایمان بسیار دلگرم کننده و ارزشمند بود.

اغلب کسانی که در نشریه مدارس کارآمد قلم می زنند از افتخارات ما در آموزش و پرورش هستند، سالیان درازی است که آنها در بخش های مختلف زحمت می کشند و ما می شناسیم. این کار را وقتی من دیدم، خیلی لذت بردم. به هر حال در بخش دولتی کارها طبق روال معمول است. مجلات و نشریات زیادی داریم. برخی برای امتیاز مقاله می نویسند، برخی برای اینکه اسمشان گم نشود. و اغلب مطالب خیلی رسمی و در قالب خاصی است. یک چنین مجموعه ای که بتواند علمی و ریشه ای کار کند را نداشتیم و اگر به اصطلاح مناسب معرفی و اطلاع رسانی بشود، بین مدیران و معلمان مدارس جایش را باز می کند.

به نظر من اگر خوب معرفی بشود، استقبال هم می شود. من دیدم خیلی هم با کیفیت است. یعنی نشان می داد که پشتش یک جمع متخصص هستند. کیفیت چاپ، نگارش مقالات، صفحه آرایی، تصاویر و تنوع مطالب اش، کیفیت قابل قبولی دارد. یعنی مانند مجلات تخصصی میزگرد، مقاله، بیان تجربه و... دارد و این تنوع نشان می داد که پشت این تیم دارد کار می کند. این بود که ما هم اعلام تشکر کردیم.

خیلی محبت فرمودید. کار مجموعه ما، یک نگاه صرفاً ژورنالیستی و گزارشی از آموزش و پرورش و تحولات آن نیست. بلکه نگاه ما تألیفی است. در واقع تلاش می کنیم که «مدرسه» را با همه اجزایش به صورت یک مجموعه کامل ببینیم. در حال حاضر افرادی که درون مدرسه با هم کار می کنند یا با هم ارتباط دارند، مجلات شان جدا است. یعنی مجله

ای که برای مدیر، معلم و دانش آموز حتی اولیای دانش آموزان منتشر می شود همه از هم جدا هستند. تلاش می کنیم که با طرح مسایل واقعی آموزش و پرورش، سطح گفت و گوهایی که در حال حاضر در مدارس جریان دارد را ارتقا بدهیم و البته از آرایه راه حل پرهیز می کنیم و به آرای مختلف از منظرهای مختلف تنوع می بخشیم. تلاش داریم که عادت به مصرف کردن راه حل های آماده را یک مقداری کاهش بدهیم. فوق العاده برای تجربه و آرایه الگوهای سوی مدارس، به خصوص مدیران و معلمان ارزش قابل هستیم. کوشش می کنیم در هر حوزه ای، نمونه های علمی آرایه بدهیم. البته چون اینها ابعاد خیلی وسیعی را در بر می گیرد ما در شروع کار هستیم، حتماً در کار کاستی هایی هم داریم. منتهی امید ما این است که به مرور، مدیران و معلمان از درون مدارس کارآمد کشور وارد صحنه شوند و مجله را به دست خودشان تولید کنند. یعنی طرح مسئله کنند، راه حل آرایه بدهند و کارهایی که به نظرشان موفق بوده آرایه بدهند و...

استاندارد نشریات علمی ما خیلی بالا است. در نتیجه آنها بی که فرصتی ندارند برای این که به مباحث آموزش و پرورش از دیدگاه علمی به تعبیری که الان در دانشگاه ها و مراکز پژوهشی ما مطرح هست بپردازند و به هر دلیلی نمی توانند با این نشریات ارتباط برقرار کنند. این کار باعث می شود که تجارب خردی که معمولاً نادیده گرفته می شوند، از طریق این نشریه مستند شده تا بعداً توسط خودمان یا دیگران کم کم توسعه پیدا کرده و منشا اثر شوند. به طور کلی هدف ما انتشار مجله ای است که مال مدرسه باشد و مدیران و معلمان خیلی راحت بتوانند در آن بنویسند. همچنین ما فکر می کنیم که مجله باید به عنوان یک «مرجع» در مدرسه نگهداری شود و کم کم و به مرور به آن مراجعه بشود، نه اینکه مثل مجلات دیگر یک دور بخوانند و کنار بگذارند. ما تلاش می کنیم مسایلی که طرح می شود در چارچوب مدرسه باشد و چون در چارچوب مدرسه هست و مدرسه یکسری کار معینی را هر سال انجام می دهند. لذا مباحث این مجله هر سال به همین شکل زنده و قابل استفاده خواهد ماند. به هر حال از حسن نظر و دقت جنابعالی و همکاران تان خیلی تشکر می کنیم.



دستورالعمل شرکت در سوئینگ فراخوان حمایت از پدیدآورندگان محتوای الکترونیکی دانش آموزان و فرهنگیان سراسر کشور

۳- موضوع ارائه شده در نرم افزار باید در راستای پیاده سازی اهداف بیان شده در محتوای کتب درسی بوده و یا محتوای نرم افزار ارسالی باعث ارتقاء و تسهیل در امر یادگیری موضوع ارائه شده توسط کاربران گردد.

تبصره: نرم افزار های بازی و سرگرمی باید ضمن هدفمند بودن باعث افزایش خلاقیت و ابتکار در کاربران گردد.

۵- امتیاز محصول قبلا به هیچ ارگان دولتی و یا خصوصی فروخته نشده باشد.

۶- چنانچه نرم افزار تولیدی مورد تأیید قرار گیرد و برحسب نیاز سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، امتیاز آن خریداری گردد تولیدکننده حق واگذاری آن را به دیگران نخواهد داشت.

۷- نوع نرم افزار را خود تولیدکننده تعیین می نماید و کمیته بررسی کننده، محصول را با همان معیارهای اعلام شده مورد ارزیابی قرار خواهد داد.

تبصره: جهت مشاهده اطلاعات تکمیلی در زمینه انواع نرم افزارها و زیر گروه های اجرایی فراخوان و همچنین معیارهای بررسی هر زیر گروه می توانید به شبکه ملی مدارس ایران (رشد) مراجعه نمایید.

۸- محصول ارسالی در دو دوره قبلی فراخوان شرکت نکرده و یا مورد حمایت قرار نگرفته باشد.

شرایط فنی محصول تولیدی

۱- با توجه به اینکه خروجی بسته نرم افزاری office نرم افزار محسوب نمی شود. لذا ارسال این نوع نرم افزارها در زیر گروه تولید خودداری نمایند.

تبصره: در بخش ارائه مطلب مخصوص فرهنگیان محترم استفاده از بسته نرم افزاری Office بلامانع است.

۲- در تولید کلیه محصولات ارسالی باید از امکانات چند رسانه ای (فیلم و انیمیشن) در حد قابل قبول بهره گرفته شده باشد.

۳- نرم افزار ارسالی الزاما از انواع متنوعی از تعامل (آموزش دو سویه) برخوردار باشد.

۴- در صورت تأیید محصول و ارائه نظرات اصلاحی از سوی سازمان پژوهش، تولیدکننده آمادگی انجام اصلاحات فنی و محتوایی محصول را داشته باشد.

۵- برای جلوگیری از اشکالات اجرایی در هنگام ارزیابی، محصولات ارسالی نیابستی دارای قفل نرم افزاری و یا سخت افزاری یا کلمه عبور باشند.

امتیازات

۱- کلیه شرکت کنندگانی که محصولات آنها به مرحله کشوری راه یابد مورد حمایت مادی قرار خواهند گرفت همچنین لوح تقدیر به ایشان اعطاء خواهد شد.

۲- از میان محصولات برگزیده براساس نیاز وزارت آموزش و پرورش و کیفیت محصولاتی که به مرحله کشوری راه یافته اند امتیاز انتشار آنها با توافق تولیدکننده، خریداری و به کلیه استانها ارسال خواهد شد.

تبصره ۱: لطفا قبل از اقدام به تکمیل فرم ثبت نام راهنمای مربوطه را از شبکه ملی مدارس ایران (رشد) مطالعه نمایید.

تبصره ۲: محصولاتی که فرم های آنها فاقد شماره ردیف دریافتی از شبکه ملی مدارس باشد و یا ناقص تکمیل شده باشند مورد ارزیابی قرار نخواهند گرفت.

معاونت فن آوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش همگام با توسعه و رشد روزافزون فن آوری های نوین آموزشی و استفاده از محتوای الکترونیکی در نظر دارد به منظور فراگیر نمودن و تعمیق آموزش های رسمی در سطح مدارس و توسعه فرهنگ استفاده از ICT در کلاس درس و همچنین حمایت از دانش آموزان و معلمان پدیدآورنده محتوای الکترونیکی برای سومین بار متوالی فراخوانی را در این موضوع و در جهت دستیابی به اهداف ذیل برگزار نماید.

۱- ترویج فرهنگ استفاده از نرم افزارهای آموزشی در فرآیند آموزش در بین فرهنگیان

۲- گسترش تولید محتوای الکترونیکی آموزشی

۳- شناخت استعدادها و علائق فرهنگیان در این زمینه

۴- ایجاد زمینه مشارکت فعال دانش آموزان و فرهنگیان محترم در تهیه محتوای الکترونیکی

۵- حمایت از دانش آموزان و معلمان تولیدکننده محتوای الکترونیکی

نحوه برگزاری

این فراخوان در دو مرحله (استانی - کشوری) و دو بخش دانش آموزان و فرهنگیان برگزار می گردد که در بخش دانش آموزی محصولات در دو زیر گروه گرد آوری و تولید و در بخش فرهنگیان در سه زیر گروه گرد آوری، تولید و ارائه مطلب مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

نحوه شرکت

کلیه علاقه مندان به شرکت در سومین دوره فراخوان حمایت از پدیدآورندگان محتوای الکترونیکی لازم است ضمن تکمیل فرم پیوست، فرم الکترونیکی آن را نیز در شبکه ملی مدارس ایران (رشد) تکمیل و پس از دریافت شماره ردیف از سیستم، شماره ردیف دریافتی را در فرم خود ثبت نموده و به همراه دو نسخه از محصول تولیدی به گروه فن آوری استان محل تحصیل و یا اشغال خود تحویل دهند.

یادآوری: هر دانش آموز یا معلم فقط می تواند حداکثر ۲ محصول بصورت انفرادی در زیر گروه های مختلف و یا حداکثر ۳ محصول بصورت گروهی در این فراخوان شرکت دهند.

شرایط عمومی تولید کنندگان و موضوع محصولات تولیدی

۱- تولیدکننده باید شرایط ذیل را داشته باشد.

الف) کارمند رسمی و یا پیمانی (شامل آموزگار، دبیر، مدرس مراکز تربیت معلم، همکار شاغل اداری مدارس و ادارات و سازمان های تابعه وزارت آموزش و پرورش) باشد. ب) دانش آموز (دوره ابتدائی، راهنمایی، متوسطه نظری و پیش دانشگاهی) و یا دانشجو معلم مراکز تربیت معلم باشد

۲- نرم افزار باید محصول فعالیت فردی و یا گروهی دانش آموزان و فرهنگیان باشد و از خدمات شرکت های خصوصی در تولید آن کمک مستقیم دریافت نشده باشد.

تبصره: به محصولاتی که بصورت گروهی تولید شده باشند امتیاز خاص تعلق می گیرد.

مهمترین چالش پیش روی آموزش و پرورش ما، ارتقای دانش نظری مربوط به تکنولوژی آموزشی است

پاسخ مکتوب معاون فناوری ارتباطات و اطلاعات سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی به سؤالات اختصاصی فصل نامه مدارس کارآمد

پایان یک دوره تحصیلی خاص به آنها دست یافته‌اند. لازم به توضیح است که منظور از نتایج معنادار چیزی بیش از دستیابی به هدف‌های رفتاری و یا پیشرفت تحصیلی بر اساس نمره است، بلکه نتایج مطلوب اما غیر قابل پیش بینی در این دسته‌جای می‌گیرند.

۳. به نظر جنابعالی بین دانش فناوری آموزشی (تکنولوژی آموزشی)، محصولات و کاربرد آن در آموزش چه ارتباطی وجود دارد و مادر کدام بعد با چه چالش‌هایی مواجه هستیم؟

با کنار هم گذاشتن صورت سؤال‌های ۱، ۲، ۳ و ۵ تا حدودی می‌توان حدس زد که در طرح سؤالات به مفاهیم و تعاریف جدید و عمیق تکنولوژی آموزشی چندان توجهی نشده است. از ظاهر امر پیداست که وقتی از تکنولوژی آموزشی صحبت می‌شود بیشتر بعد سخت افزاری آن مد نظر است؟ این امر در سؤال ۳ نمود روشن تری دارد؟ با این وجود اگر تکنولوژی آموزشی را دارای دو بعد کلی سخت افزاری و نرم افزاری بدانیم که پشتوانه هر دوی آنها دانش نظری است، در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که کشور ایران در حال حاضر به شدت از فقدان و ضعف دانش نظری و به عبارات دیگر از کمبود نیروی انسانی که به دانش نظری این رشته مسلط باشند رنج می‌برد. متأسفانه برداشت غالب معلمان، مدیران، کارشناسان و حتی سیاست‌گذاران و مدیران ارشد وزارت آموزش و پرورش از تکنولوژی آموزشی، برداشتی غلط، محدود و غیرعلمی است. برای نمونه در سال‌های اخیر عنوان «دفتر تکنولوژی آموزشی» و «معاونت فناوری پژوهش و برنامه ریزی آموزشی» به «معاونت فناوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی» تغییر نام داده شده است. شاید افرادی که این نام جدید را انتخاب کرده باشند، درصدد توسعه و ارتقای تشکیلات فوق‌الذکر بوده‌اند، اما در واقع این عنوان جدید بی‌شک به معنای حذف دفتر تکنولوژی آموزشی - حداقل در روی کاغذ - از ساختار سازمانی وزارت آموزش و پرورش می‌باشد. متأسفانه این تغییر نام باعث نادیده گرفتن یک مفهوم علمی و جهانی شده است. در اهمیت این رشته از تعلیم و تربیت همین بس که در حال حاضر ۵۵ دانشگاه آمریکا این رشته را در سطح دکتری تخصصی (PHD) ارائه می‌کنند. در اقدام اخیر و با کمی تساهل اصطلاح تکنولوژی آموزشی به «ICT آموزشی» تبدیل شده است. یعنی فناوری اطلاعات و ارتباطات که جزو کوچکی از دانش تکنولوژی آموزشی است به اندازه خود آن فرجه شده است. احتمال دیگر در این تغییر نام که البته ضعیف می‌نماید این است که پیشنهاد دهندگان آگاهانه خواسته‌اند دفتر تکنولوژی آموزشی با عنوان تکنولوژی آموزشی را حذف کنند، که این هم نشان دهنده عدم شناخت تکنولوژی آموزشی از سوی آنها بوده است. هدف اصلی از عنوان کردن این واقعه نشان دادن این نکته اساسی است که در برخی موارد حتی مسئولان و دست‌اندرکاران کلان وزارت آموزش و پرورش

افتادگی نظام آموزشی هم نباشد. صرف نظر از مقایسه فناوری‌های جدید و رقابتی دیدن آنها، اگر جان مایه اصلی سؤال این باشد که چرا میل کمتری به استفاده از فناوری نوین اطلاعات در کلاس درس مشاهده می‌شود، در پاسخ باید به عوامل متعددی اشاره کرد توضیح همه آنها در این مجال اندک مسیر نیست؛ علاوه بر اینکه متغیرهای ظریف اما اثرگذاری وجود دارند که چه بسا در پژوهش‌های تربیتی ناشناخته باقی مانده و یا غیر قابل کنترل باشند. در ادامه به برخی از این عوامل یا متغیرها اشاره شده است.

توجه و دقت به این عوامل که بر میزان استفاده از فناوری اطلاعات از سوی معلمان اثر گذارند نشان می‌دهد که پاسخ به سؤال فوق به سادگی مسیر نخواهد بود و اساساً جستجو برای یافتن یک سوال ساده و صریح، نوعی ساده انگاری و غفلت از پیچیدگی‌های موقعیت‌های تربیتی است. همچنین عوامل زیر نشان می‌دهند که پاسخ جامع به این پرسش نیازمند بررسی‌ها و پژوهش‌های متعدد و به ویژه از نوع فراتحلیل است:

- کیفیت و میزان دسترسی و برخورداری از تجهیزات و زیرساخت‌های فناوری نوین ارتباطات و اطلاعات (از سوی مدارس، معلمان، دانش‌آموزان).
- نوع گروه آموزشی معلمان (تجربی، انسانی، ریاضی، فنی و حرفه‌ای و کار دانش).
- دوره تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی).
- جنسیت معلمان (زن و مرد).
- سن و سابقه تدریس.
- نوع نگرش به فناوری اطلاعات و ارتباطات (مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و اولیا).
- میزان دانش و مهارت معلمان و دانش‌آموزان از رایانه و اینترنت.
- میزان دانش معلمان در تلفیق و تطبیق بهینه فناوری اطلاعات با برنامه درسی.
- انگیزه‌ها و مشوق‌ها.

۲. به نظر جنابعالی قدرت یک مدرسه کارآمد یا به عبارتی ملاک موفقیت آن از بعد تکنولوژی آموزشی یا به ملاک‌هایی باید سنجیده شود.

با عنایت به تعریف تکنولوژی آموزشی (فناوری آموزشی)، کارکرد تکنولوژی آموزشی و هدف آن در حوزه تعلیم و تربیت، ملاک موفقیت یک مدرسه چیزی جز کیفیت فرایند آموزش و یادگیری آن نیست. هر چه روش‌ها و تکنیک‌های آموزشی نظام مدرسه کاراثر و اثر بخش تر و یادگیری و یادداری دانش‌آموزان نیز اثر بخش تر و عمیق تر باشد، نشان دهنده آن است که مدرسه به فهم عمیقی از فناوری آموزشی دست یافته است و آن را عملاً در حل مسایل آموزشی به کار گرفته است. به عبارتی ساده‌تر قدرت یک مدرسه کارآمد بیش از هر چیزی به نتایج معناداری بازمی‌گردد که دانش‌آموزان در

۱. با وجودی که دفتر تکنولوژی آموزشی سابقه چند دهه فعالیت دارد. و تکنولوژی آموزشی در همه ابعاد سخت افزاری، نرم افزاری، رسانه‌ها و فنون استفاده توسعه پرشتابی را هم در بخش دولتی، و هم در بخش خصوصی تجربه می‌نماید. چرا هنوز کلاس‌های درسی ما به سبک دوران دارالفنون و آموزش ما متکی به گچ - حرف باقی مانده است؟

قبل از هر گونه توضیحی باید اشاره کرد که این تنها کلاس‌های درس نیست که هنوز از تخته سیاه و گچ در آنها استفاده می‌شود. بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز - با وجود برخورداری از فناوری‌های نوین از جمله فناوری اطلاعات و ارتباطات - همچنان از این فناوری قدیمی و ریشه دار استفاده می‌کنند. به قول یکی از صاحب‌نظران حوزه ارتباطات «تنها محدودیت تخته سیاه، محدودیت ذهن ماست» اگر چه این جمله کاملاً درست نیست و به طور کامل نمی‌توان آن را پذیرفت اما نشانگر اهمیت و کارایی این فناوری است. با این توضیح شاید بتوان گفت که سؤال مورد نظر دقیق مطرح نشده است؛ چرا که به نظر می‌رسد پیش فرض سؤال کننده این است که (الف) استفاده از گچ و تخته نماینده آموزش سنتی و غیرمؤثر و استفاده از فناوری ارتباطات نشان دهنده آموزش مدرن و اثر بخش است و (ب) نتیجه قطعی فرایند رشد فناوری اطلاعات کنار زدن سبک‌های سنتی و فناوری‌های قدیمی در حوزه آموزش است (به‌واژه هنوز دقت بفرمایید) با توجه به توضیحات پیش از این و بعد از این، به صراحت می‌توان گفت که هر دو پیش فرض فوق محل بحث بوده و اجماع قطعی درباره آنها وجود ندارد.

فرا تحلیل‌های زیادی در مورد ورود فناوری‌های جدید به حوزه آموزش صورت گرفته است که از جمله نتایج بدست آمده از آنها این است که رسانه‌ها «به ماهو» رسانه‌های یکدیگر را جرحیت ندارند. از این رو پیش فرض نهفته در سؤال فوق که فناوری‌های جدید را به صرف پیشرفته و پیچیده بودن اثر بخش تر از فناوری‌های قدیمی تلقی می‌کند، به هیچ رو صحیح نیست. فرا تحلیل‌ها نشان داده‌اند که نوع استفاده ما، نوع محتوا، شرایط و امکانات، ویژگی‌های مخاطبان و بسیاری از عوامل دیگر در انتخاب نوع رسانه و یا وسایل کمک آموزشی دخالت دارند.

اثر بخشی و کارآمدی رسانه‌ها و مواد آموزشی بستگی به این متغیرهای گوناگون دارد. برای نمونه فناوری اطلاعات و ارتباطات علی‌رغم پیشرفته و پیچیده بودن برای دوره ابتدایی چندان مناسب تشخیص داده نشده است و کشورهای پیشرفته به توسعه آن در دوره ابتدایی چندان رغبتی از خود نشان نداده‌اند. به زبان ساده‌تر ویژگی‌های دانش‌آموزان دوره ابتدایی - به عنوان یک متغیر مهم و اثرگذار - تعیین کننده نوع رسانه‌ها و مواد آموزشی ماست نه صرف پیشرفته و نوین بودن رسانه. از این رو «گچ و تخته» همچنان می‌تواند در کلاس‌های درس آنها حضور داشته باشد و نشانه‌ای از سنتی و عقب

کنند، در غیر اینصورت باید به بودجه سالانه و تجهیزاتی که ادارات بالادستی در اختیار آنها قرار می دهند قناعت کنند

اما اگر مراد از فناوری آموزشی بعدنرم افزاری آن باشد مدارس با حداقل هایی که دارند می توانند و یاداند قدرت مانور بیشتری برخوردار باشند. همان طور که پیش از این اشاره شد، بعدسخت افزاری به خودی خود تحول آفرین نخواهد بود و این نوع استفاده ما از آنهاست که آنها را اثر بخش می کند. از اینرو ارتقای دانش نرم افزاری معلمان، دانش و مهارت طراحی آموزشی، شناخت نظریه های یادگیری و آموزشی، حل عالمانه و گروهی مسایل آموزشی مدرسه می تواند از جمله مؤلفه های مورد توجه مدارس باشد.

۸. سهم مدارس، مدیران، معلمان، اولیا و دانش آموزان در توسعه و کاربرد فناوری آموزشی چه اندازه است؟

اگر منظور از توسعه و کاربرد فناوری آموزشی تنها ابزار و تجهیزات نبوده و در سطح کلان مدنظر باشد، با عنایت به آنچه در ذیل سؤال ۳ آمد، باید گفت که در حال حاضر سهم مدارس، مدیران و معلمان در توسعه و کاربرد فناوری آموزشی چندان مهم و برجسته نخواهد بود. در این میان دانش آموزان و اولیای نیز تقریباً سهمی نخواهند داشت. اما اگر منظور از توسعه و کاربرد فناوری آموزشی در سطح مدرسه باشد یقیناً سهم مدیران و به ویژه معلمان، نقشی اساسی خواهد بود. در این میان با توجه به شرایط حال حاضر کشور نمی توان برای دانش آموزان و به ویژه اولیای آنها نقش خاصی متصور شد. پرتنگ کردن نقش آنها در مقام سخن چینی جز شعار نخواهد بود. از آنجا که پاسخ این سؤال به نوعی در ادامه پاسخ سؤال ۲ قرار می گیرد، بهتر به نظر می رسد که این دو سؤال در ادامه یکدیگر مطرح شوند.

۹. پژوهش در حوزه فناوری آموزشی چه قدر جدی و کارساز بوده و پژوهشگران آموزشی چه تأثیری در پر کردن شکاف بین وضع موجود و مطلوب می توانند داشته باشند؟

پاسخ این سؤال بدون آنکه به توضیح ویژه ای نیازمند باشد از پیش روشن است. یکی از آخرین رویکردهای اساسی به فناوری آموزشی حل مسئله است که در آن تکنولوژی آموزشی برای حل مسایل آموزشی به پژوهش دست می زند.

۱۰. برای توجه بیشتر به اهمیت و نقش فناوری آموزشی در جامعه و به خصوص جامعه فرهنگی با توجه به توسعه IT، جهانی شدن و... چه پیشنهاد می فرمایید.

- به کارگیری افراد متخصص (طراحان آموزشی و تکنولوژیست های آموزشی) در امر تحلیل، طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی برنامه های مربوط به حوزه تکنولوژی آموزشی،
- توسعه آموزش ضمن خدمت (ضمن کنترل آفت ها و آسیب های این گونه آموزش ها)
- بازبینی و اصلاح برنامه های دوره های کاردانی و کارشناسی مراکز تربیت معلم،
- استفاده از اساتید متخصص در دوره های ضمن خدمت و تربیت معلم،
- تألیف و ترجمه مقالات و کتاب های که بتوانند تصویر روشنی از وضعیت فناوری آموزشی معاصر ارایه دهند.

آموزشی کدام های باشند؟

در صورت سؤال به «طرح های توسعه فناوری های آموزشی» اشاره شده است که مبهم بوده و منظور سؤال روشن نیست. اما در رابطه با توسعه IT و با توجه به آنچه در پاسخ سؤال های قبلی گفته شد، باید گفت که فناوری اطلاعات به خودی خود تحولی در نظام آموزشی کشور پدید نخواهد آورد و اگر بدون توجه به دانش نظری، طراحی آموزشی و هدف گزینی صحیح و برقراری ارتباط منطقی بین برنامه درسی و فناوری اطلاعات، وزارت آموزش و پرورش بخواهد تنها به بعد کمی و سخت افزاری توجه داشته باشد، کمافی سابق نه تنها کار به جایی نخواهد برد بلکه خود این فناوری به ضایع شدن منابع و از دست دادن فرصت ها خواهد انجامید. به طور خلاصه باید اشاره کرد که نظام آموزشی باید قبل از هر گونه هزینه سنگین در این رابطه به تجارت دیگر کشورها توجه داشته باشد، کشورهایی که اخیراً و بعد از آنکه مشخص شد فناوری اطلاعات نیز به سادگی تحول آفرین نخواهد بود، از توجه صرف به شاخص هایی کمی به شاخص های کیفی در این زمینه رو آورده اند.

اما اگر فناوری اطلاعات را به طور مستقل مورد توجه قرار دهیم، بی شک این فناوری قابلیت های فوق العاده ای در پیشبرد هدف های نظام آموزش دارد و چه بسا بسیاری از شعارهای دیرپای نظام های آموزشی از جمله عدالت آموزشی، آموزش مادام العمر و مانند آن را با سهولت بیشتر و در مدت زمان کمتر به مرز تحقق نزدیک کند. در رابطه با ظرفیت ها، قابلیت ها و محدودیت به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظام آموزشی مطالب زیادی در سطح جهان و ایران وجود دارد که پرداختن به آن در این مجال اندک مسیر نیست، اما یادآوری می شود که مشکل نظام آموزش و پرورش ایران در رابطه با این فناوری نوین بیشتر از آنکه مشکل زیر ساختی و سخت افزاری باشد، مشکل نرم افزاری و مدیریتی است. با توجه به تجارب گذشته ایران در رابطه با به کارگیری فناوری های نوین در حوزه آموزش و پرورش، از پیش پیداست که در صورت تکمیل زیر ساخت ها و فراهم آوری تجهیزات در مدارس اتفاق قابل توجهی در فرایندهای تعلیم و تربیت رخ نخواهد داد.

۶. نقش تربیت نیروی انسانی (تربیت معلم و ضمن خدمت) در توسعه و کاربرد فناوری آموزشی چیست؟

همانطور که در پاسخ سؤال ۱ نشان داده شد، تربیت نیروی انسانی تنها یکی از عوامل و متغیرهای اثرگذار است نه همه آن باین وجود باید اذعان کرد که دانش و مهارت نیروی انسانی و همچنین انگیزه های او اگر چه در کنار دیگر عوامل ردیف شده است، اما مشخصاً از لحاظ اثر گذاری و ارزشی با بقیه همسنگ نبود و نقش مهمتر و برجسته تری دارد.

۷. مؤلفه هایی که در توسعه و کاربرد فناوری آموزشی باید مورد توجه مدارس قرار گیرد چیست؟

اگر مراد از توسعه و کاربرد فناوری آموزشی بعدسخت افزاری آن باشد مثلاً تجهیز آزمایشگاه مدرسه، کارگاه رایانه خرید تجهیزات و مواد آموزشی، مدارس با توجه به نظام متمرکز و سلسله مراتبی نظام اداری کشور قدرت مانور چندانی نخواهند داشت. مگر آنکه به ابتکار عمل مدیر و اولیای مدرسه و با اتکا به قدرت چانه زنی و روابط غیر اداری، مدارس بتوانند تجهیزاتی برای خود فراهم

نیز هنوز به فهم درست و علمی از تکنولوژی آموزشی دست نیافته اند، چه رسد به معلمان و مدیران سطوح پایین تر. از این رو مهمترین چالش پیش روی آموزش و پرورش مسأله تقای دانش نظری مربوط به تکنولوژی آموزشی است.

علاوه بر بدنه آموزش و پرورش، نظام آموزش عالی حال حاضر کشور نیز در زمینه تکنولوژی آموزشی با ضعف های جدی مواجه است. و چه بسا ضعف در محتوای رشته تکنولوژی آموزشی دانشگاه ها با اندکی تأخیر آموزش و پرورش را متأثر کرده باشد. برای نمونه محتوای برنامه درسی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی (در ایران دوره دکتری این رشته وجود ندارد) مربوط به چند دهه گذشته است و روند تغییر در محتوای کتاب های اساسی این رشته یا متوقف است و یا با کندی زیادی در جریان است. یکی از دلایل این امر شاید به اساتید صاحب نام و صاحب نفوذ این رشته بازگردد که نمی توانند همگام با پیشرفت های سریعی که از بعد نظری و عملی در دیگر نقاط دنیا در این رشته اتفاق می افتد حرکت کنند. بانگاسریع و اجمالی به کتاب هایی که تحت عنوان تکنولوژی آموزشی شناخته می شوند، به سهولت می توان دریافت که بعد سخت افزاری در آنها تا چه اندازه نمود دارد، در مقابل کتاب هایی که به بعد نرم افزاری و طراحی آموزشی پرداخته اند محدود بوده و کمتر شناخته شده اند.

۴. چه رابطه ای بین برنامه درسی، تکنولوژی آموزشی، و کاربرد آن در کلاس درس وجود دارد؟

همان طور که در برخی رشته ها مانند پزشکی بین تخصص های گوناگون هم پوشی هایی وجود دارد، در حوزه تعلیم و تربیت نیز با وجود تفکیک رشته ها و تخصصی شدن آنها حوزه هایی وجود دارد که متخصصان مختلف درباره آن اظهار نظر کرده و چه بسا اختلاف نظر داشته باشند. برنامه درسی و تکنولوژی آموزشی از این دست رشته ها هستند. تکنولوژیست های آموزشی مدعی هستند که تعیین محتوای برنامه درسی بر عهده برنامه ریزان درسی تعریف و مفاهیم این حوزه را عمیق تر کرده و بسط داده اند. تا آنجا که مدعی تصمیم گیری درباره فرایندهای آموزشی درون کلاس نیز هستند. به هر تقدیر، متخصصین برنامه درسی باید در فرایند تهیه و تولید برنامه های درسی نقش فناوری آموزشی را پیش بینی کنند و بدون آن تهیه برنامه درسی عقیم و ابتر خواهد بود. ورود یک جانبه و خود سرانه فناوری به کلاس درس نیز نه تنها به بهبود روش های تدریس و یادگیری منجر نخواهد شد بلکه ممکن است خود مانعی بر سر فرایند یاددهی و یادگیری مؤثر باشد. شاید یکی از دلایل عمده ناموفق بودن فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظام آموزش ایران، مشخص و روشن نبودن رابطه و نسبت این فناوری با برنامه درسی است. برای نمونه برای شبکه رشد (شبکه ملی مدارس ایران) - که به عنوان یکی از پروژه های مهم «طرح تکفا» شناخته می شود - در برنامه درسی جایگاهی در نظر گرفته نشده است و در روندهای مختلف آموزشی از جمله ارزشیابی، از امتیاز خاصی برخوردار نیست. از اینرو تنها به عنوان یک شبکه کمکی و گاه فلتتری مورد توجه مدارس قرار می گیرد. به طور خلاصه می توان گفت که ارتباط بین برنامه درسی و فناوری آموزشی در برخی موارد ارتباطی طولی و سلسله مراتبی و در برخی موارد ارتباطی عرضی و افقی است.

۵. با عنایت به توسعه IT و طرح های توسعه فناوری های آموزشی، فرصت های پیش روی نظام